



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





سروش افغان

خطابه غدیری

مقدمه، متن و ترجمه مؤلف و مترجم: سید حسین حسینی



عنوان و نام پدیدآور: سروش آفتاب، مقدّمه، متن و ترجمه‌ی خطابه‌ی غدیر، سید حسین حسینی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۱ شابک: ۹-۳۶۰-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا / موضوع: محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق.
خطبه‌ها، علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. اثبات خلافت.
کنگره: ۱۳۹۱ ۴ س ۳۳ م / ۵۴ / ۲۲۳ BP / دیوبی: ۴۵۲ / ۲۹۷ کتابشناسی ملی: ۲۸۶۵۵۸۵



شابک ۹-۳۶۰-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ 9-360-539-964-978 ISBN

سروش آفتاب

(مقدّمه، متن و ترجمه‌ی خطابه‌ی غدیر)

مؤلف: سید حسین حسینی - ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اوّل / ۱۳۹۱ - تیراژ: ۲۰۰۰۰ نسخه - چاپ: تابان / صحافی: بهمن

خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۳۶ ۱۸ ۵۲ ۷۷ (۶ خط)

۵۰۰۰ تومان





عَلِي

بَيْنَ الْبَيْنِ

بَدَا

اَنْزَلَ كِتَابَهُ لَكَ
فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاكَ

خطابى بيد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ

مهدیا! حرمانمان را در عصر غیبت و پنهانی تو چگونه جبران کنیم؟ کجا تو را
بیابیم؟ با کدام دعا تو را خواهیم یافت تا رویم و آن دعا بیاموزیم؟
منجیا! در حیرت و سرگشتگی نبود تو، شیطان نفس و اندیشه‌های رنگارنگ، بر ما
چیره شده و اسیر پلیدی نفسمان نموده است.

مهربانا!

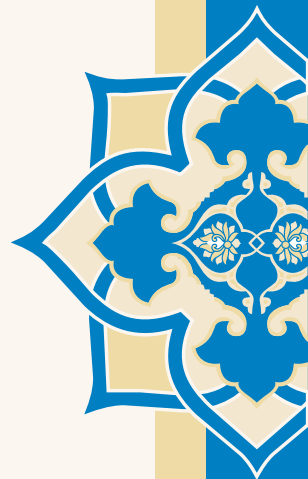
«از ازل بست دلم با سر زلفت پیوند تا ابد سر نکشد و ز سر پیمان نرود»

پس تو و نیاکانت را از ژرفای وجودمان دوست داریم و در جست‌وجوی فراهم آوردن شادی توایم و با تمام دل سیاهییمان، آرزو می‌کنیم خداوند ظهورت را پیش اندازد و بر ما احسان کند و از حیرتمان به درآورد و از اسارت دنیای دون، نجاتمان بخشد.

پدرا! فقدان نیای تو و پنهانی تو را به خدا شکوه می‌بریم و از ناشناختن مان تو را و نیاکان تو را، ناآسوده‌ایم و این سرود را - ولو در زبان - ترنم می‌کنیم که:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ... اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ... اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ»

آفتابا! چندی است از مهر تو و تابش خورشید وجودت از پس پرده‌ی غیبت، به



یادگارِ گران سنگ نیایت رو آورده‌ایم؛ با این گمان که ما را به معرفت تو برساند.
گرچه توان غواصی در ژرفای آن را نداریم؛ اما از خداوند می‌خواهیم و دست لطف
تو را می‌طلبیم.

«آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید»

عزیزا! به گوش جان شنیده‌ایم که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«پس بایسته است این سخن (امامت امیرالمؤمنین علی و اولاد

او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) را حاضران به غایبان و فرزندان آن به فرزندان، تا برپایی روز

رستاخیز برسانند.»

اکنون چگونه فرمانت بریم؟ از چه راه، رهسپار فرمان بری ات شویم؟ چه کنیم؟
چه بگوییم؟ تو خود یاری مان ده! راهمان بیاموز! دستمان گیر تا راه یابیم و
کوشش کنیم و این همه کمالات و برتری های پدرت را بشناسیم و به دیگران نیز
بیاموزیم! یادمان نمی رود که در کنار برکه ی خُم، پیامبرمان ﷺ از مردمان برای
امارت و سرپرستی امیرمؤمنان و فرزندان اش بیعت گرفتند و بر این پیمان، تا
برپایی رستاخیز تأکید کردند.

اکنون سر به آستان ارادت تو می ساییم و با تمامی کاستی هایمان، به درگاهت
عذر می آوریم که: تو کریمی از خاندان کریمان و مأمور به میهمانی و پناهدهی

بیچارگان! اکنون ما را ببخش! دستمان گیر! راهمان بر! آفتاب لطفت را بر ما بتاب

و از ما روی مگردان و بر دعای ما که: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» آمین بگو.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ، مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ، وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ، فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ، وَ

تَصَدَّقْ عَلَيْنَا...﴾.

«ما را به جز تو در همه عالم عزیز نیست گرد کنی بضاعت مُزجات و قبول»

پنجشنبه ۱۵ تیر ۹۱

مطابق با ۱۵ شعبان ۱۴۳۳

سید حسین حسینی خطابه‌ی غدیر

امروز برخی از مدعیان روشن فکری دینی، موضوع مهم و اعتقادی خلافت و امامت را در حدّ مسأله‌ای تاریخی قلمداد می‌کنند و بحث و گفت‌وگو درباره‌ی آن را سبب اختلاف بین مسلمانان تلقی می‌کنند؛ اما در این موضوع، روی سخن آنان با شیعه است و به سایر فرق مسلمین کاری ندارند و دانسته یا ندانسته (البته عمدتاً دانسته و به عمد) از دیگر فرقه‌ها جانب‌داری می‌کنند. در بررسی نظریه‌ی آنان به چند نکته اشاره کرده، جایگاه مهم و اعتقادی امامت را در بیان قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عصمت عَلَيْهِمُ السَّلَام بازشناسی می‌کنیم.

نکته‌ی ۱ - این گروه معمولاً کسانی‌اند که پیامبری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در ارتباط با

جهان غیب و عالم دیگر نمی‌دانند و تمامی مسایل مذهب را به نحوی توجیه
مادی و زمینی می‌کنند؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را - که پیام‌آور الاهی است - مصلح و
نابغه‌ای بیش نمی‌دانند و در احکام دین، باورش‌ان این است که باید با ملاک‌های
مادی و زمینی سازگار باشد. از این روی، تاریخی دانستن امامت و کم‌اهمیت
جلوه دادن آن، مربوط به تفکرات چنین افرادی است که دین‌داران - به خاطر
الاهی و غیبی و آسمانی دانستن دین - این تفکرات را نمی‌پذیرند؛ اما این‌که
گمان می‌کنند طرح چنین مسایلی موجب اختلاف میان مسلمین است، در
پاسخ آنان می‌گوییم: اگر به راستی در پیشنهاد خود خیر خواهید، مسلمانان را

و ادار کنید که با پذیرش حقیقت بر محور آن چرخیده، وحدت را بر پایه‌ی حق و حقیقت ایجاد کنند؛ نه این‌که به بهانه‌ی ایجاد وحدت، بسیاری از محورهای آن رازیر پا بگذارند و وحدتی موقت و زودگذر به دست آورند.

نکته‌ی ۲ - توجه به مفهوم و جایگاه امامت، نشانگر اعتقادی بودن این اصل است.

در قرآن کریم، درباره‌ی ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام و امامت او می‌خوانیم:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ

ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^۱

۱. بقره / ۱۲۴.

هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را به حوادثی آزمود و او از عهده‌ی تمامی آن‌ها به خوبی برآمد، خداوند فرمود: اینک تو را برای مردمان «امام» قرار دادم. ابراهیم پرسید: و از فرزندان من؟ خداوند فرمود: پیمان امامت من، ستمکاران را نخواهد رسید. بنابراین امامت عهده‌ی از سوی پروردگار و مقامی بس بلند است که عصمت، لازمه‌ی آن است و از این روی، به جعل و نصب خداوند تحقق می‌پذیرد. و از سوی دیگر، تعبیرات حدیث مشهور ثقلین به گونه‌ای است که نشان می‌دهد امام به ضمیمه‌ی قرآن کریم، جانشین به حق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تمامی ابعاد نبوت و رسالت است (به جز نبوت تشریحی در امام) و این دو هرگز از یکدیگر جدا

نمی‌شوند و در کنار هم، از آئین اسلام و آموزه‌های نبوت حکایت می‌کنند.
پیامبر ﷺ فرمودند:

«إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ
الْحَوْضَ أَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلِفُونِي فِيهِمَا»^۱.

واژه‌ی «مُخَلَّفٌ» نشانگر این است که پیامبر اکرم ﷺ باید از سوی خداوند،
جانشین معرفی کند^۲ و از ضمیمه‌ی قرآن به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برمی‌آید که جانشین

۱. تحف العقول / ۴۲۶.

۲. همان‌گونه که خود رسول الله ﷺ از سوی خداوند متعال برگزیده شده است.

او تنها جنبه‌ی حاکمیت سیاسی و زمامداری اجتماعی ندارد؛ بلکه در تمامی شؤون و ابعاد شخصیت رسول الله ﷺ جانشینی دارد، به جز نبوت تشریحی و قانون آوری که خود بارها تذکر فرمود:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»^۱.

«ای علی! تو نسبت به من جایگاه هارون را داری نسبت به موسی؛ به جز این که پس از من، پیامبری نخواهد بود (و پس از موسی پیامبری ادامه یافت)».

۱. کافی ۸ / ۱۰۷.

در حدیث حضرت کاظم علیه السلام آمده: «الْإِمَامَةُ هِيَ النُّور»^۱.

و نیز در روایت مشهور حضرت رضا علیه السلام می خوانیم:

«إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَ خِلَافَةُ

الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام إِنَّ الْإِمَامَةَ

زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ

النَّامِي وَ فَرَعُهُ السَّامِي»^۲.

۱. کافی ۱ / ۱۹۶.

۲. الکافی ۱ / ۲۰۰.

خلاصه‌ی مضمون عبارت این‌که: امامت پایه‌ی بالنده‌ی اسلام و شاخه‌ی بلند آن است. امامت از جهت منزلت و شأن و موقعیت و ژرفایی، برتر از دسترسی خرده‌های مردمان است که بتوانند با رأی و انتخاب خود امامی برپاکنند. از این روی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امام و امامت را جای‌نشینی همه‌جانبه‌ی خود، معرفی کرده و آن را دارای مقامات والا دانست و در طول بیست و اندی سال پیامبری خود، مقام امامت و برتری‌های علی علیه السلام را گوش‌زد فرمود و شوون مهم او را، هم‌چون سرپرستی و ولایت در تکوین و تشریح، ابلاغ متن دین، تبیین و تفسیر قرآن و احکام، زمامداری و حکومت جامعه، علم غیب، عصمت، شجاعت و

پهلوانی و... تذکر فرمود.

نکته ی ۳ - اهمیت مسأله ی امامت امیرالمؤمنین علیه السلام تا بدانجاست که در قرآن

کریم، آیات فراوان بر آن نزول یافته، از جمله:

(۱) ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۱

﴿سرپرست و رهبر شما تنها خداوند است و پیامبر او و آنان که ایمان آورده،

نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند﴾.

۱. مائده / ۵۵.

تمامی تفاسیر شیعه و اکثر تفاسیر اهل تسنن، اتفاق دارند بر این که آیه‌ی کریمه
درباره‌ی امیر المؤمنین علی علیه السلام است، آن هنگام که در نماز و در حال رکوع زکات
دادند.^۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۲

﴿ای ایمانیان! از خدا اطاعت کنید و فرمان رسول و صاحبان امر را گردن
نهدید﴾.

۱. در تفاسیر شیعه: تفسیر مجمع البیان ۳ / ۳۲۵، تفسیر قمی ۱ / ۱۷۰، تفسیر عیاشی ۱ / ۳۲۷ و
در تفاسیر سنی: تفسیر کشاف ۱ / ۶۴۹، تفسیر فخر رازی ۱۲ / ۳۸۳، تفسیر طبری ۶ / ۱۸۶.
۲. نساء / ۵۹.

طبق تفاسیر، اولی الامر، امامان معصوم علیهم السلام می باشند.^۱

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۲

﴿امروز دین شما را کامل و نعمت را بر شما تمام کردم و خشنودم که اسلام دین شما باشد﴾.

طبق تفاسیر، این آیه مربوط به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد.^۳

۱. تفسیر مجمع البیان ۳ / ۱۰۰، تفسیر قمی ۱ / ۱۴۱، تفسیر عیاشی ۱ / ۲۴۶، تفسیر شواهد التنزیل ۱ / ۱۹۱.

۲. مائده / ۳.

۳. تفسیر مجمع البیان ۳ / ۲۴۶، تفسیر قمی ۱ / ۱۶۲، تفسیر عیاشی ۱ / ۲۹۳، تفسیر شواهد التنزیل ۱ / ۲۰۱.

می‌بینیم که آیات فوق و دهها آیهی دیگر - با ملاحظه‌ی شأن نزول آن‌ها - درباره‌ی امامت و ولایت و سرپرستی امام امیرالمؤمنین علیه السلام است.

نکته‌ی ۴ - زمینه‌های پیشین وصایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

نایب و منوبّ عنه بایستی با یکدیگر سنخیت کامل و شباهت تام داشته باشند. از این روی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از پیش او را در بستر مهر و محبت و در فضای جان و خانه‌ی خویش تربیت کرد و با روحيات و اخلاقیات خویش مانوس نمود. در این زمینه خود علی علیه السلام در خطبه‌ی قاصعه چنین حکایت می‌کند:^۱

۱. نهج البلاغه فیض ۴ / ۷۷۶ خطبه‌ی ۲۳۴ و عبارات فوق در ص ۸۰۲ و شرح نهج البلاغه

«... شما می‌دانید که مرا نزد رسول خدا ﷺ چه مقام است و خویشاوندی‌ام با او در چه نسبت است؟ آن‌گاه که کودک بودم، مرا در دامان خود می‌نهاد و بر سینه‌ی خود می‌فشرد و در بستر خود می‌خوابانید و تنم را به تن خویش می‌سود و بوی خوش خود را به من می‌بویانید و گاه چیزی را می‌جوید، سپس آن را به من می‌خورانید. از من دروغی در گفتار ندید و خطایی در کردار نیافت... و من در پی او بودم - در سفر و حضر - چنان که شتر بچه در پی مادر. هر روز از اخلاق خود، برای من نشانه‌ای برپا می‌داشت و مرا به پیروی

📖 ج ۱۳ / ۱۹۷ و بحار ج ۱۴ / ۴۷۵.

آن می‌گماشت. او هر سال در غار حرا خلوت می‌گزید و من او را می‌دیدم و کسی جز من، او را نمی‌دید. آن هنگام جز خانه‌ای که رسول خدا ﷺ و خدیجه علیها السلام در آن بودند، در هیچ خانه‌ای مسلمانان راه نیافته بود و من سؤمین آنان بودم. نور وحی نبوت را می‌دیدم و بوی آن را می‌شنودم و هنگامی که وحی بر او فرود آمد، ناله‌ی شیطان را شنیدم و گفتم: ای فرستاده‌ی خدا! این آوا چیست؟ فرمود: این شیطان است و از آن‌که او را بپرستند نومید شده است. همانا تو می‌شنوی آن چه را من می‌شنوم؛ می‌بینی آن چه را من می‌بینم؛ جز این‌که تو پیامبر نیستی؛ بلکه وزیری و به راه خیر می‌روی.»

و نیز می‌بینیم در هنگام نزول آیه‌ی ﴿وَ اَنْذِرْ عَشِيْرَتَكَ الْاَقْرَبِيْنَ﴾، ﴿ای پیامبر! خویشان نزدیک را بترسان﴾، پیامبر گرامی ﷺ سه بار اعلام فرمود که: شما عشیره و خویشاوندان من هستید و همانا خداوند پیامبری بر نیانگیخت مگر آن‌که از خاندان او، برادر و وزیر و وارث و جانشین برایش برپا کرد. پس کدامتان با من بیعت می‌کند که برادر و وارث و وصیّ من باشد و نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی گردد؟ گرچه پس از من پیامبری نخواهد بود؛ پس خویشان سکوت کردند. آن‌گاه فرمود: یکی از شما به پاخیزد و الا از غیر شما خواهد بود و

۱. شعرا / ۲۱۴.

شما پیشیمان خواهید شد. در این جا علی علیه السلام به پا خاست. حضرت فرمود:
نزدیک آی. پس نزدیک آمد و او را مورد مهر ویژه‌ی خود قرار داد و فرمود: «او را از
حکمت و دانش سیراب نمودم». ^۱ این رویدادها و صدها مانند آن در طول
پیامبری رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام نشان مراقبت و تربیت
اوست برای احراز مقام الهی امامت و خلافت.

نکته ی ۵ - مشهورترین و متقن‌ترین براهین حقایق و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام
واقعه‌ی غدیر است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - پس از ادای مراسم حج در سفر تاریخی

۱. بحار ۱۸ / ۱۶۳.

حجّة الوداع - دست علی عليه السلام را گرفته و به مردمان معرفی نمود. آیهی کریمه‌ی
زیر شاهد آن است:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾^۱

﴿ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، برسان و گرنه رسالت
او را انجام نداده‌ای و البته خداوند، تو را از گزند مردمان نگاه می‌دارد﴾.

احادیث متواتر واقع‌هی غدیر و متن خطبه‌ی آن، بیانگر اهمیّت فوق‌العاده و
اصالت اعتقادی آن است، به علاوه‌ی نکات برجسته‌ی ذیل:

۱. مائده / ۶۷.

۱) اعلان حجّة الوداع و آخرین سال عمر پیامبر ﷺ.

۲) دعوت برای انجام مناسک حج از مسلمانان مدینه و تمامی مناطق مسلمان نشین.

۳) حرکت جمعیت یک صد و بیست هزار نفری از مدینه و دیگر مناطق برای انجام مناسک حج.

۴) احضار امیرالمؤمنین علی عليه السلام و همراهان او از یمن، برای شرکت در مراسم حجّة الوداع.

۵) ایراد سخنرانی و خطبه در مینا و مسجد خیف و آماده سازی مردم برای

واقعه‌ی غدیر خم، توسط پیامبر عظیم‌الشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۶) اقامت در کنار جاده (محلّ غدیر خم) و بازگرداندن پیش‌رفتگان و توقف پس‌آمدگان.

۷) توقف سه روزه برای انجام مراسم اعلان ولایت و سرپرستی امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام از روز غدیر (دوشنبه ۱۸ ذی‌الحجه) تا چهارشنبه ۲۰ ذی‌الحجه.

۸) سخنرانی مفصل رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تأکید بر امامت و خلافت و وصایت علی عَلَيْهِ السَّلَام و اولاد او تا امام عصر، قائم آل محمد عجل الله تعالى فرجه.

۹) درخواست بیعت توسط رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مردم؛ بیعتی با زبان و دست از

حاضران و اقرارگرفتن از تمامی آنان.

۱۰) بیعت گرفتن از مردان توسط دست دادن و از زنان به وسیله‌ی دست زدن در تَشت آب.

۱۱) بیعت گرفتن برای پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علی و امام حسن و امام حسین و سایر امامان علیهم‌السلام.

۱۲) درخواست تبریک‌گویی از مردم به رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیهما السلام به مناسبت مقام امامت و امارت و خلافت علی علیهما السلام.

۱۳) فرمان ابدی و جاودانه برای تمامی مسلمانان اعصار و قرن‌ها که بایستی این

خبر را حاضران به غایبان و فرزندان به برسانند. «فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ
الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۱۴) اعلان این که ابلاغ داستان غدیر، برترین و بالاترین نقطه‌ی امر به معروف
است: «الَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَتَّبِعُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ...».

۱۵) معرفی شخص علی عَلَيْهِ السَّلَام در بالای منبر در تمامی مدّت خطابه و ارائه و نشان
دادن ایشان به مردم.

۱۶) شمارش فضائل و مناقب و ابعاد شخصیت علی عَلَيْهِ السَّلَام با حدود دویست
فضیلت.

۱۷) سفارش بیعت و سلام بر علی عَلَيْهِ السَّلَامُ با لقب امیرالمؤمنین.

۱۸) تأکید بر این لقب و اختصاصی کردن آن در مورد شخص علی عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱۹) هم تراز کردن قرآن و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و سایر امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و این که آن دو از هم جدایی پذیر نیستند.

۲۰) ملاک قرار دادن مهر و خشم علی عَلَيْهِ السَّلَامُ برای ایمان و کفر افراد.

نکته‌های فوق و ده‌ها نکته‌ی دیگر، نشان از اهمیت غدیر در معرفی امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به عنوان جانشین و امام پس از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

نکته‌ی ۶- از عصر حادثه‌ی غدیر تاکنون، مسلمانان و به تبع آنان دیگران به این

واقعه‌ی عظیم و مسأله‌ی امامت و خلافت، به دید یک اصل اعتقادی نگریسته و آن را در کتب عقاید نقل و بررسی کرده‌اند؛ گرچه در کتب تاریخی نیز آورده و از نظر حدیثی، در کتب حدیث و از جهت معانی لغات، در کتب لغت و از لحاظ نزول آیات مربوطه، در تفاسیر و از جهت ادبیات غدیر، در کتب ادبی نیز آورده‌اند. در این باره به مدارک زیر دقت و توجه می‌کنیم:

از مورّخان: بلاذری (م ۲۷۹) در «انساب الاشراف» - ابن قتیبه (م ۲۷۶) در «المعارف» و «الامامة والسیاسة» - طبری (م ۳۱۰) در کتابی مستقل در مورد حدیث غدیر - خطیب بغدادی (م ۴۶۳) در تاریخ خود.

از محدّثان: محمد ابن ادریس شافعی (م ۲۰۴) به نقل نهایی ابن اثیر - احمد بن حنبل (م ۲۴۱) در «مسند و مناقب» - ابن ماجه (م ۲۷۳) در «سنن» - ترمذی (م ۲۷۶) در «صحیح».

از مفسران: طبری (م ۳۱۰) در تفسیر خود - ثعلبی (م ۴۲۷/۳۷) در تفسیر خود - واحدی (م ۴۶۸) در «اسباب النزول» - فخر رازی (م ۶۰۶) در تفسیر خود. از متکلمان: قاضی ابوبکر باقلانی بصری (م ۴۰۳) در «التمهید» - قاضی عبدالرحمان ایجی شافعی (م ۷۵۶) در «المواقف» - شریف جرجانی (م ۸۱۶) در «شرح المواقف» - قوشچی (م ۸۷۹) در «شرح تجرید».

از لغت شناسان و صاحبان معاجم در ذیل کلمات: مولی، خم، غدیر، ولی و...
- ابن درید (م ۳۲۱) در «جمهره ج ۷۱/۱» - ابن اثیر در «نهایه» (الغدیر ج ۱/۶-۸).
این نوع نقل‌ها نشان دهنده‌ی این است که مسأله‌ی امامت در نظر آنان صرفاً
مسأله‌ای تاریخی نیست.

نکته‌ی ۷ - پاسخ به دو پرسش

پرسش الف: اگر داستان غدیر این اندازه در میان شیعه و سنی مشهور است،
پس به چه دلیل اهل تسنن، ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را
نمی‌پذیرند؟

پاسخ:

۱) ما نیز از حق جویان اهل تسنن، این پرسش را داریم که با وجود این همه براهین بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چگونه است که آنان در برابر حق تسلیم نمی‌شوند؟ چرا با خود حدیث نفس نمی‌کنند که راه حق را طی کرده و بر فرمان خداوند گردن گذارند؟

۲) این چنین پرسشی در مراحل پیش از امامت نیز جاری است که به چه علت، غیر مسلمانان با وجود این همه دلایل حقایق اسلام، آن را نپذیرفتند؟ نیز چه طور است که منکران خدا با وجود روشن‌ترین براهین بر وجود آفریدگار

جهان هستی، او را منکر شده‌اند؟

پاسخ این‌گونه پرسش‌ها این است که بشر می‌تواند دچار خودخواهی و تعصب و کوردلی شده، از دیدن حقایق سر باز زند و به تقلید از گذشتگان پرداخته، در راه هوای نفس گام بردارد؛ البته پذیرفتن حق هم چندان ساده نیست و التزام و مقید بودن به لوازم حق، در عمل بسی دشوارتر می‌نماید؛ مخصوصاً اگر لازمه‌ی پذیرش حق، دست برداشتن از تعلقات بسیاری باشد.

۳) به خاطر شهرت خطابه‌ی غدیر و به ویژه جمله‌ی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ...»، آنان که نتوانسته‌اند اصل حدیث را انکار کنند، در صدد تأویل و برگرداندن الفاظ از معانی

خود بر آمده، مقصود و معنی را دگرگون کرده‌اند؛ مثلاً کلمه‌ی «مَولی» را که در این
خطابه - به دلیل قراین قطعی^۱ - به معنای سرپرست و اولیٰ به تصرّف است به
دوست و محبّ و... معنی کرده‌اند.

پرسش ب: آیا حدیث و خطبه‌ی غدیر گفتاری کوتاه بوده یا یک سخنرانی
مفصل؟

پاسخ: آن چه اهل تسنّن در کتب خود به تواتر آورده‌اند، دو مورد است: یکی اصل
حدیث غدیر که کوتاه و مختصر نقل شده و طولانی‌ترین آن در الغدیر آمده

۱. یکی از آن‌ها جمله‌ی «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» است.

است^۱ و دیگر این که در بیشتر احادیث و نقل های اهل سنت می بینیم که پیامبر ﷺ ایراد سخنانی کرده اند و با آن شرایط بایستی به تفصیل سخن گفته باشند:

۱- زید بن ارقم می گوید: رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم ایراد خطابه کرده و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...»^۲

۲- حذیفه بن اسید و عمر بن ذی مر و زید بن ارقم و... گویند: رسول خدا ﷺ در

۱. الغدير ۱ / ۱۰ - ۱۱.

۲. تاریخ دمشق ۴۲ / ۲۱۷، تاریخ الاسلام ذهبی ۳ / ۶۲۹.

روز غدیر ایراد خطبه کرده و فرمود: ...^۱

می‌بینیم در این نقل‌ها و صدها نقل دیگر که به خاطر اختصار از آوردن آن‌ها چشم پوشیدیم، جمله‌ی «خطب رسول الله ﷺ» و «خطبنا رسول الله ﷺ» و امثال آن‌ها را آورده‌اند که به معنای نوعی سخنرانی است که در ابتدا با حمد و ثنای الهی آغاز می‌شود و جنبه‌ی تفصیلی دارد و با حدیث کوتاه (آن هم در آن شرایط و با آن مقدمات ویژه و استثنایی) سازگاری ندارد.

۱. المعجم الكبير ۳ / ۱۷۹، البداية و النهاية ۷ / ۳۷۰، سنن نسائی ۵ / ۱۳۴، ربيع الابرار زمخشری ۱ / ۷۰.

نکته ی ۸ - استدلال به حدیث غدیر

از دیگر پرسش ها این است: چرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای اثبات حقایق خویش به خطابه ی غدیر استدلال نکرده اند؟

پاسخ: آن حضرت در موارد متعدّد و در اعتراض به غضب خلافت و اثبات حقایق خویش به این خطابه استدلال فرموده اند که به نحو اختصار چند مورد را یادآور می شویم:^۱

۱) احتجاج حضرت علی علیه السلام در روز شورا سال ۲۳ هجری:

۱. الغدير ج ۱ / ص ۱۵۹ به بعد.

ابوالطفیل عامر بن وائله گوید: در روز شورا با علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دم در خانه بودم؛ شنیدم به مردم گفت: شما را به خدا سوگند، آیا در میان شما کسی هست که پیش از من به یگانگی، خدا را پرستش کرده؟ گفتند: خدا شاهد است که نه... شما را به خدا سوگند، آیا در میان شما کسی هست که پیامبر خدا در باره‌ی او مانند این جمله را گفته باشد که: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...»؟ گفتند: خداوند گواه است که نه ...

۲) احتجاج او در ایام حکومت عثمان:

سلیم تابعی گوید: در ایام حکومت عثمان در مسجد حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بودم.

عده‌ای را دیدم که درباره‌ی علم و عفت گفت و گو می‌کردند. سخن از برتری قریش پیش آمد و این‌که پیامبر ﷺ فرمودند: «امامان قریشی‌اند.» جمعیت حاضر بیش از دویست نفر بودند که در میان آنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمان بن عوف، طلحه، زبیر، مقداد، هاشم بن عتبه، ابن عمر، حسن، حسین، ابن عباس، محمد بن ابی بکر و... بودند. عثمان در خانه‌اش بود و از گفت‌وگوها بی‌خبر و امیرالمؤمنین علی و اهل بیت او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ساکت بودند. مردمان رو به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ کرده، گفتند: چرا سخن نمی‌گویی؟ تا بدان جا که حضرت فرمودند: ... پیامبر ﷺ در غدیر خم مرا برپا نمود و خطبه ایراد کرد... و فرمود:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^۱

۳) استدلال امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در روز رجب (در سال ۳۵ هجری):

هنگامی که آن حضرت شنید سخن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در افضلیت علی عَلَيْهِ السَّلَام بر دیگران مورد گفت‌وگو و اتهام است، در رجب‌هی کوفه (محلّ وسیع اجتماعات) به حدیث غدیر استشهداد فرمود که تفصیل آن را در کتاب گران سنگ «الغدیر» می‌بینیم.

نکته ی ۹ - پرسش: آیا امامان دیگر در احتجاجات خود به خطبه‌ی غدیر و به ویژه

۱. الغدیر ج ۱ / ۱۶۵.

به متن مفصل حاضر استدلال فرموده‌اند؟

پاسخ:

الف: آری! امامان و نیز اصحاب آنان، مکرر و متعدّد به حدیث غدیر استدلال فرموده و داستان غدیر را مورد نظر قرار داده‌اند که در این باره به کتاب «الغدیر»^۱، «خطابه‌ی غدیر در آینه‌ی اسناد»^۲ و «اسرار غدیر»^۳ مراجعه کنید. در نکته‌ی پیشین به عنوان شاهد، مناشدات امیرالمؤمنین علی علیه السلام را آوردیم و سایر

۱. الغدیر، ج ۱ / ص ۱۵۹ - ۱۹۷.

۲. خطابه‌ی غدیر در آینه‌ی اسناد، ص ۸۵.

۳. اسرار غدیر، ص ۲۶۲ تا ۲۷۲.

امامان نیز به بخشی از حدیث غدیر استدلال فرموده‌اند؛ مثلاً حضرت زهرا علیها السلام فرموده: «آیا فراموش کردید گفتار رسول خدا را که در روز غدیر خم فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ» و آن که فرمود: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»^۱ حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در هنگام صلح با معاویه ایستاد و خطابه‌ای ایراد کرد و در ضمن آن فرمود: «مردمان شنیدند هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله دست پدرم را در غدیر خم گرفت و اعلام فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ...» سپس فرمان داد که شاهدان به غایبان برسانند»^۲ و نیز امام حسین علیه السلام یک سال پیش از واقعه‌ی

۱. الغدير ج ۱ / ۱۹۶ به نقل از شمس الدین جزری.

۲. الغدير ج ۱ / ۱۹۷ به نقل از ینابیع المودة.

عاشورا و مرگ معاویه در مینا در موسم حج که بیش از هفت صد نفر از مردان و زنان بنی‌هاشم و انصار و عمدتاً از تابعین و حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر ﷺ بودند، ایستاد و ایراد خطبه فرمود و ستایش خداوند نمود و از جمله گفت: «به خدا سوگندتان می‌دهم، آیا می‌دانید پیامبر ﷺ علی را در روز غدیر معرفی کرد و اعلام ولایت و سرپرستی او را فرمود و افزود که این خبر را شاهدان به غایبان برسانند؟» حاضران در مینا گفتند: قسم به خدا، خدا شاهد است، آری.^۱

۱. اسرار غدیر / ۲۷۴ به بعد و سلیم ج ۲ / ۷۹۱ / ح ۲۶، به نقل از کتاب‌های اثبات الهداة ج ۲، بحار ج ۳۷ و....

و نیز حضرات سجّاد، باقر و سایر ائمه علیهم‌السلام نیز در موارد گوناگون به حدیث غدیر و جملاتی از آن استدلال فرموده‌اند.

ب: این خطابه‌ی مفصّل از زبان امام باقر علیه‌السلام نقل شده، به اضافه‌ی اصل داستان غدیر خُم که به دو سند از کتب «احتجاج طبرسی» و «الیقین سیّدبن طاووس» و «روضه‌الواعظین ابن‌فتّال نیشابوری» و «نزهة الکرام» نقل شده است و جالب این‌که متن خطابه‌ی حذیفه‌بن یمان و زیدبن ارقم که هر دو در غدیر حضور داشتند، با متن نقل شده از حضرت باقر علیه‌السلام بسیار نزدیک است و با این تفصیل خطابه، موارد اختلاف نسبت به متن، اندک به نظر می‌رسد.

نکته ی ۱۰ - پرسش: چرا کتب پیش از «احتجاج» و «روضه الواعظین» (قرن پنجم هجری) این متن را نقل نکرده‌اند؟ مخصوصاً افرادی مانند کلینی و شیخ مفید و....

پاسخ:

الف: نقل نکردن عده‌ای حدیثی را، دلیل ضعف آن نیست؛ چرا که ملاک صحّت، اتصال سلسله‌ی سند حدیث تا معصوم عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشد و این مسأله در «خطابه‌ی غدیر» حاصل است؛ به‌خصوص که روایت حدیفه و زیدبن ارقم در اکثر متن، با حدیث حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام تطابق دارد.

ب: دانشمندان متقدّم، به برخی از احادیث دست نیافته‌اند؛ ولی متأخران در اثر جست‌وجو و امکانات بیشتر آن‌ها را پیدا کرده‌اند.

ج: مقداری از احادیث به خاطر تقیّه و شرایط سخت شیعه، توسط گروهی از محدثان نقل نشده و آنان در شرایط سخت و در میان خلفای جور به تثبیت اصل مطلب پرداخته‌اند. دانشمندانی چون کلینی، مفید و... که در بغداد در میان مخالفان زندگی می‌کردند و نقل احادیث مفصل و صریح، مشکل ایجاد می‌کرده است.

د: دانشمندان شیعه چه بسیار کتاب‌ها تألیف نموده‌اند که به مرور زمان

دست خوش فقدان و... شده است و از آن جمله ثقة الاسلام کلینی (م ۳۲۹) کتابی درباره‌ی غدیر داشته است که شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعة» آن را نام برده است.

نکته‌ی ۱۱ - اصل متن خطابه، به صورت مفصل در کتب شیعه و جملات مختلفه‌ی آن در مدارک سنّی آمده است. در کتب شیعه: روضة الواعظین: ابن فتال نیشابوری (قرن پنجم) - الاحتجاج: شیخ طبرسی (قرن پنجم) - الیقین: سیدابن طاووس (قرن هفتم) - نزهة الکرام: محمد بن حسین رازی (قرن هفتم) - الاقبال: سیدابن طاووس (قرن هفتم) - الصراط المستقیم: علی بن یونس بیاضی

(قرن نهم) - نهج الايمان: علی بن حسین بن جبر (قرن هفتم). در کتب فوق، روایت از طریق و سلسه سند آمده که به حضرت امام باقر علیه السلام و حذیفه بن یمان و زید بن ارقم منتهی می شود. تفصیل بیشتر را در کتاب «خطابه‌ی غدیر در آینه‌ی اسناد» می بینیم.^۱

در کتب اهل تسنن، اصل واقعه‌ی غدیر در نوشته‌های اختصاصی و غیر اختصاصی آمده است. برای یافتن فهرست آن‌ها به «الغدیر / ج ۱» مراجعه می‌کنیم و برای به دست آوردن راویان حدیث با حروف الفبایی به «الغدیر / ج ۱ /

۱. خطابه‌ی غدیر در آیین‌های اسناد / ۸۵ - ۸۶ به نقل از الذریعة ج ۷ / ۱۷۳ شماره‌ی ۹۰۰.

ص ۱۴ - ۱۵۱» و برای اطلاع از مؤلفان به «الغدیر / ج ۱ / ص ۱۵۲ - ۱۵۸» نگاه کنید؛ اما در مورد متن حاضر مفصل، سنّیان گرچه این متن را نقل نکرده‌اند، لیکن مفردات و جملات آن را در کتب خود آورده‌اند. کتاب شریف «نور الأمیر» خطابه را به صد بخش تقسیم نموده و مدارک هر بخشی را از کتب اهل سنّت به تفصیل آورده است.

نکته‌ی ۱۲ - در متن خطابه‌ی غدیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دو جمله‌ی استثنایی هشدار داده‌اند که گذشته از دیگر ویژگی‌های اختصاصی این سخنرانی، بی‌سابقه است. یکی جمله‌ی «فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

«پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و فرزندان به فرزندان تا برپایی رستخیز برسانند» و دیگری جمله‌ی: «أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مِنِّي» «و بدانید قلّه‌ی بلند امر به معروف این است که به گفته‌ی من (درباره‌ی امامت) برسید و سخن مرا به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری با سخنان من بازدارید. همانا سخن من، فرمان خدا و فرمان من است.»

با این تأکید و اعلام فرمان جهانی برای ابلاغ محتوای خطابه‌ی غدیر، بر

مسلمانان خداپرست و ایمانیان مخلص ضروری می‌نماید که در راه تبلیغ و فرهنگ سازی این خطابه‌ی شریف، تلاش پی‌گیر فرمایند.

موارد زیر را خاضعانه پیشنهاد می‌کنیم:

- ۱) تشویق جوانان به حفظ متن خطابه و اهدای جوایز - به‌ویژه هزینه‌ی سفر کربلا برای زیارت حضرت امام حسین علیه السلام - و جوایز نفیس برای حفظ بخش‌های آن.
- ۲) خواندن متن خطابه و ترجمه‌ی آن در محافل دینی ولو مقداری از آن.
- ۳) قرائت بخشی از خطابه در مجالس عقد، برای رساندن پیام رسول گرامی صلی الله علیه و آله و ابلاغ به نسل‌های آینده.

۴) قرار دادن آن در مهریه‌ها در کنار قرآن به عنوان لبیک‌گویی به «حدیث ثقلین»

رسول خدا ﷺ.

۵) نشر و اهدای کتب مربوط به خطابه‌ی غدیر.

۶) تابلو کردن جملات خطابه بر روی اشیای نفیس.

۷) تدریس خطابه‌ی غدیر در مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیّه.

۸) ارائه‌ی خطابه به عنوان متن مورد تحقیق در تزیینات و فوق‌لیسانس و

دکترای رشته‌های مربوطه.

۹) سخنرانی توسط سخنرانان محترم و اساتید در محتوا و مطالب اعتقادی آن.

۱۰) ترجمه‌ی خطابه‌ی غدیر به زبان‌های گوناگون و عرضه‌ی آن در سایت‌های مختلف اینترنتی.

۱۱) تهیه‌ی کتب مربوط به خطابه‌ی غدیر و اهدای آن در مجالس عقد و عروسی و ولیمه‌ی حج و....

۱۲) معرفی آن به شرکت‌ها و مجتمع‌های تولیدی و تجاری برای اهدا به عنوان عیدی و... به مشتریان و نمایندگان.

۱۳) تهیه‌ی کتاب برای کودکان و نوجوانان از متن خطابه‌ی غدیر.

۱۴) ساختن فیلم و انیمیشن و کلیپ از جملات خطابه‌ی غدیر.

۱۵) مطرح کردن جملات کوتاه آن در مناسبت‌های امامت و ولایت

معصومین علیهم‌السلام.

۱۶) مآخذ قرار دادن متن خطبه برای تحقیقات در موضوعات توحید، نبوت،

امامت، مهدویت و....

۱۷) معرفی عمومی خطابه‌ی غدیر توسط جوانان.

۱۸) تشویق مردم برای نذر ختم خطابه‌ی غدیر در محافل و نذر مالی برای نشر

خطابه برای برآورده شدن حاجات و رفع مشکلات.

۱۹) ساختن و نشر متن خطابه در لوح فشرده، نوار و....

- ۲۰) ساختن سرود، شعر و قطعات ادبی از متن خطابه‌ی غدیر.
- ۲۱) تعلیم جملات کوتاه به کودکان و تشویق آنان به حفظ و یادگیری.
- ۲۲) ساختن تابلوهای نقاشی، خط و نقاشی خط از متن و مضمون خطابه.
- ۲۳) ساختن تئاتر و سرود از متن خطابه‌ی غدیر.
- ۲۴) مراجعه به سایت خطابه‌ی غدیر جهت اطلاع بیشتر از فعالیت‌های مربوطه:

WWW.KHETABEGHADIR.COM

روز و شب چون نماز می‌گوییم

تا نفس هست راز می‌گوییم

باز گفتند و باز می‌گوییم

نسل در نسل از **علی** و غدیر

یادآوری این نکته بایسته است که:

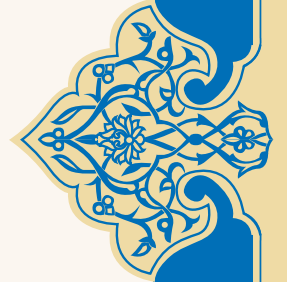
متن عربی خطابه‌ی غدیر چاپ شده در این کتاب، برگرفته از کتاب «اسرار غدیر»
نوشته‌ی دانشمند محترم جناب آقای محمّد باقر انصاری بوده و در این کتاب به
تحقیقات مبسوط ایشان در ارائه‌ی مآخذ اکتفا شده است.

سید حسین حسینی خطابه‌ی غدیر

نیمه‌ی شعبان ۱۴۳۳



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ، وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ، وَعَظُمَ
فِي أَرْكَانِهِ، وَاحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَهُوَ فِي مَكَانِهِ، وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ
بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ، وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ،
وَمُبْدِيًا وَمُعِيدًا، وَكُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ. بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ، وَدَاحِي
الْمَدْحُوتَاتِ، وَجَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ
وَالرُّوحِ. مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَاءَةٍ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أَنْشَاءَةٍ،
يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ.





ستایش خدای را سزا است که دریگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینشش بزرگ است. بر همه چیز احاطه دارد بی آن که مکان گیرد و جابه جا شود و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است. همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی او است. او ست آفریننده‌ی آسمان‌ها و گستراننده‌ی زمین‌ها و حکمران آن‌ها. دور و منزّه از خصایص آفریده‌هاست و در منزّه بودن خود نیز، از تقدیس همگان برتر. هموست پروردگار فرشتگان و روح؛ افزونی بخش بر آفریدگان و بخشنده‌ی بر همه‌ی موجودات است. به نیم‌نگاهی دیده‌ها را ببیند و دیده‌ها هرگز او را نبینند.



كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ، قَدْ وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، وَمَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ.
لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ. قَدْ فَهِمَ
السَّرَائِرَ، وَعَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَلَا اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ
الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْغَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ
شَيْءٍ، وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَلَيْسَ مِثْلَهُ شَيْءٌ، وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ
لَا شَيْءَ، دَائِمٌ حَيٌّ، وَقَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ
أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ
أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ، إِلَّا بِمَا دَلَّ

کریم و بردبار و شکیباست. رحمتش جهان شمول و عطایش ممت گذار. در انتقام و کیفر سزاواران عذاب، بی شتاب است. بر نهان‌ها آگاه و بر درون‌ها دانا، پوشیده‌ها بر او آشکار و پنهان‌ها بر او روشن است. بر هر هستی فراگیر و چیره، نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر پدیده ویژه‌ی اوست. او را همانندی نیست. در تاریکستان لاشیء، او هستی بخش هر هستی است؛ جاودانه و زنده و عدل‌گستر. خداوندی جز او نباشد و اوست ارجمند و حکیم. دیده‌ها را بر او راهی نیست و اوست که دیده‌ها را دریابد و اوست بر پنهانی‌ها آگاه و بر کارها دانا. از دیدن، کسی و صفش را نیابد و بر چگونگی او، از نهان و آشکار دست نیازد؛ مگر او

-عَزَّوَجَلَّ- عَلَى نَفْسِهِ. وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ، وَ الَّذِي
يَغْشَى الأَبَدَ نُورُهُ، وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ، وَ لا مَعَهُ شَرِيكَ فِي
تَقْدِيرِهِ، وَ لا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا
خَلَقَ بِلا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَ لا تَكْلُفٍ وَ لا اِحْتِيَالٍ. اَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَأَهَا
فَبَانَتْ. فَهُوَ اللهُ الَّذِي لا اِلهَ اِلا هُوَ، اَلْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ، اَلْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ،
اَلْعَدْلُ الَّذِي لا يَجُورُ، وَ اَلْاَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ اِلَيْهِ اَلْأُمُورُ. وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللهُ
الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَ اسْتَسَلَمَ كُلُّ شَيْءٍ
لِقُدْرَتِهِ، وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ.

- عزّ و جلّ- راه نماید و خود بشناساند. گواهی می‌دهم که او «الله» است؛ همو که تنزهش سراسر روزگاران را فرا گرفته و پرتو اش ابدیت را شامل است. فرمانش را بی‌مشاور اجرا کند و تقدیرش را بی‌شریک امضاء و هستی را بی‌یاور سامان دهد. صورت آفرینش او را الگویی نبوده؛ آفریدگان را بدون یاور و سختی و حيله، هستی بخشیده است. جهان با ایجاد او موجود و با آفرینش او پدیدار شده است. پس او ست «الله» و معبودی جز او نیست؛ همو که صنّعش استوار و ساختمان آفرینشش زیباست. دادگری که ستم روانمی‌دارد و بخشنده‌ترینی که کارها به او باز می‌گردد و گواهی می‌دهم او الله است که هر هستی در برابر بزرگی اش فروتن و در مقابل ارجمندی اش رام و به توانایی اش تسلیم و به هیبتش خاضع است.

مَلِكِ الْأَمْلاكِ، وَ مَفْلَكِ الْأَفْلاكِ، وَ مُسَخَّرِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي
لِاجَلِ مُسَمًّى. ﴿يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ﴾ ﴿يَطْلُبُهُ
حَثِيثًا﴾. قاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ. لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ
وَ لَا مَعَهُ نَدٌّ، أَحَدٌ صَمَدٌ ﴿لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾. الإلهُ
وَاحِدٌ وَ رَبُّ مَا جِئِدٌ، يَشَاءُ فَيَمْضِي، وَ يُرِيدُ فَيَقْضِي، وَ يَعْلَمُ فَيُحْصِي،
وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ يُفْقِرُ وَ يُغْنِي، وَ يُضْحِكُ وَ يُبْكِي، وَ يُدْنِي وَ يُبْعِدُ
وَ يَمْنَعُ وَ يُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ.

پادشاه هستی‌ها و چرخاننده‌ی سپهرها و رام‌کننده‌ی آفتاب و ماه که هر یک تا
أجل معین جریان یابند. ﴿او پرده‌ی شب را به روز و پرده‌ی روز را به شب بپیچد﴾
(زمر / ۵) ﴿که شتابان در پی روز است﴾ (اعراف / ۵۴) هم او شکننده‌ی هرستمگر باطل‌گرا
و نابودکننده‌ی هر شیطان سرکش است. نه او را ناسازی باشد و نه برایش مانندی و
انبازی. یکتا و بی‌نیاز، ﴿نه زاده و نه زاییده‌شده و او را همتایی نبوده﴾. (اخلاص / ۳-۴)
خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است. بخواهد و به انجام رساند؛ اراده کند و
حکم نماید؛ بداند و بشمارد؛ بمیراند و زنده کند؛ نیازمند و بی‌نیاز گرداند؛ بخنداند
و بگریاند؛ نزدیک آورد و دور برد؛ باز دارد و عطا کند. او راست پادشاهی و
ستایش. به دست توانای او ست تمام نیکی و هموست بر هر چیز توانا.

﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ﴾ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ
الْغَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجَنَّةِ
وَ النَّاسِ ، الَّذِي لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ ، وَ لَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ ،
وَ لَا يُبْرِمُهُ الْهَاجِ الْمَلْحِينِ . الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ ، وَ الْمُؤَفِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ ،
وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ ، وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ . الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ
يَشْكُرَهُ ، وَ يَحْمَدَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ .

أَحْمَدُهُ كَثِيرًا ، وَ أَشْكُرُهُ دَائِمًا ، عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ ، وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ ،
وَ أَوْمِنُ بِهِ ، وَ بِمَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ .

﴿شب را در روز و روز را در شب فرو برد﴾. (حدید / ۶) جز او خداوندی نباشد؛
گران قدر و آمرزنده؛ پذیرنده‌ی دعا و افزاینده‌ی عطا؛ بر شمارنده‌ی نفس‌ها و
پروردگار پری و انسان. چیزی بر او مشکل ننماید. فریادِ فریادکنندگان، او را
آزرده نکند و اصرارِ اصرارکنندگان، او را به ستوه نیآورد. نیکوکاران را نگاهدار و
رستگاران را یار، مؤمنان را صاحب اختیار و جهانیان را پروردگار است؛ همو که
در همه‌ی احوال، سزاوار سپاس و ستایش آفریدگان است.
او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می‌گوییم در شادی و رنج و آسایش و سختی و
به او و فرشتگان و نبشته‌ها و فرستاده‌هایش ایمان داشته.

أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأُطِيعُ، وَأُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَاسْتَسْلِمُ لِمَا قَضَاهُ، رَغْبَةً
فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرَهُ وَلَا يُخَافُ
جَوْرَهُ.



وَأُقِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُودِي مَا أَوْحَى بِهِ
إِلَيَّ، حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ، فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ، لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ، وَإِنْ
عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ، لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ، لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ
أَبْلُغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيٍِّّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي - تَبَارَكَ وَ

فرمان او را گردن می‌گذارم و اطاعت می‌کنم و به سوی هر آنچه مایه‌ی خشنودی اوست، می‌شتابم و به حکم و فرمان او تسلیم؛ چرا که به فرمان‌بری او، شایق و از کیفر او، ترسانم؛ زیرا او خدایی است که کسی از مکرش در امان نبوده و از ستمش ترسان نباشد (زیرا او راستمی نیست).



و اکنون به بندگی خویش و پروردگاری او گواهی می‌دهم و وظیفه‌ی خود را در آنچه وحی شده، انجام می‌دهم؛ مباد از سوی او عذابی فرود آید که کسی را یارای دور ساختن آن از من نباشد، هر چند توانش بسیار و دوستی‌اش با من خالص باشد. - خداوندی جز او نیست - چرا که به من هشدار داده که اگر آن چه در حق **علی** نازل کرده به مردم ابلاغ نکنم، وظیفه‌ی رسالتش را انجام نداده‌ام. و خود او تبارک و

تَعَالَى - الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ ، وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ . فَأَوْحَى إِلَيَّ : ﴿ بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾ ، ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ﴾ فِي **عَلِيِّ**
يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ **لِعَلِيِّ** بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﴿ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ ، وَ أَنَا أَبِينُ لَكُمْ
سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ : إِنَّ جَبْرَائِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي
- وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعَلِّمُ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدٍ : أَنَّ **عَلِيَّ** بْنَ
أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي .

تعالی امتیّت از آزار مردم را برایم تضمین کرده و البتّه که او بسنده و بخشنده است. پس آن‌گاه خداوند چنین وحی ام فرموده: ﴿به نام خداوند همه مهرِ مهرورز﴾، ﴿ای فرستاده‌ی ما! آن‌چه از سوی پروردگارت بر تو فرو فرستادیم﴾ (مائده / ۶۷) درباره‌ی **علی** و جانشینی او ﴿به مردم برسان؛ وگرنه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده‌ای و او تو را از آسیب مردمان نگاه می‌دارد﴾. (مائده / ۶۷)

هان مردمان! در تبلیغ آن‌چه خداوند بر من نازل فرموده، کوتاهی نکرده‌ام و اکنون سبب نزول آیه را بیان می‌کنم: همانا جبرئیل از سوی سلام، پروردگارم - که تنها او سلام است - سه مرتبه بر من فرود آمد و فرمانی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که **علی** بن ابی طالب، برادر و وصی و جانشین من در میان امت و امام پس از من است.

الَّذِي مَحَلَّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. وَهُوَ وَلِيُّكُمْ
بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ
هِيَ: ﴿أَنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ
وَهُوَ رَاكِعٌ، يُرِيدُ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - فِي كُلِّ حَالٍ.

وَ سَأَلَتْ جِبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي السَّلَامَ عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا
النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَادِّغَالِ اللَّائِمِينَ
وَ حِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ:

همو که جایگاه اش نسبت به من، به سان هارون نسبت به موسی است؛ مگر این که پیامبری پس از من نخواهد بود و او پس از خدا و رسول او صاحب اختیار شماس است و خداوند تبارک و تعالی آیه ای بر من نازل فرموده که: ﴿همانا تنها ولی و سرپرست و صاحب اختیار شما، خداوند و پیامبرش و مؤمنانی اند که نماز به پا می دارند و در رکوع زکات می پردازند﴾ . (مائده / ۵۵) و قطعاً **علی بن ابی طالب**، نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است.

و من از جبرئیل درخواستم که از خداوند سلام اجازه کند و مرا از مأموریت تبلیغ به شما معاف دارد؛ زیرا کمی پرهیزکاران و فزونی منافقان و دسیسه ی ملامت گران و مکر مسخره کنندگان اسلام را می دانم؛ همانان که خداوند در وصفشان در کتاب خود فرموده:

بَانَّهُمْ ﴿يَقُولُونَ بِالْأَسْتِثْمِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ ، وَيَحْسَبُونَهُ ﴿هَيْنًا وَهُوَ عِنْدَ
اللَّهِ عَظِيمٌ﴾ ، وَكَثْرَةَ آذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَّوْنِي أَدْنَا وَزَعَمُوا أَنَّي
كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ أَيَّامِي وَأَقْبَالِي عَلَيْهِ وَهَوَاهُ وَقَبُولِهِ مِنِّي حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ
-عَزَّوَجَلَّ- فِي ذَلِكَ:

﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ، قُلْ أَدْنَىٰ ﴿عَلَى الَّذِينَ
يَزْعَمُونَ أَنَّهُ أَدْنَىٰ﴾ خَيْرٌ لَّكُمْ ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ
آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ .

﴿به زبان می‌گویند آن را که در دل‌هایشان نیست﴾ (فتح / ۱۱) و می‌شمارند ﴿آن را اندک و آسان، حال آن‌که نزد خداوند بس بزرگ است﴾. (نور / ۱۵) و نیز از آن روی که منافقان، بارها مرا آزار رسانیده‌اند تا بدانجا که مرا اُذن (سخن شنو و زودباور) نامیده‌اند؛ به خاطر همراهی افزون و تمایل و پذیرش **علی** از من و توجه ویژه‌ی من به او، تا بدانجا که خداوند آیه‌ای فرو فرستاده:

﴿و از آنان‌اند کسانی که پیامبر خدا را آزرده و گویند: او سخن شنو و زودباور است. بگو: آری، او سخن شنوست﴾. (توبه / ۶۱) علیه آنان که گمان می‌کنند او تنها سخن می‌شنود؛ ﴿لیکن به خیر شماس. او (پیامبر ﷺ) به خدا ایمان دارد و اهل ایمان را تصدیق کرده، راست‌گومی‌انگارد؛ و هم او رحمت است برای ایمانیان شما و البته برای آنان که او را آزار دهند، عذابی دردناک خواهد بود﴾. (توبه / ۶۱)

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ، وَأَنْ أُومِيَ إِلَيْهِمْ
بِأَعْيَانِهِمْ لَأُومِئْتُ، وَأَنْ أُدَلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلَلْتُ، وَلَكِنِّي - وَاللَّهِ - فِي أُمُورِهِمْ
قَدْ تَكْرَمْتُ.

وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ فِي حَقِّ **عَلِيِّ**،
﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ فِي حَقِّ **عَلِيِّ** ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾.



فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذَلِكَ فِيهِ وَافْتَهُمُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ

و اگر می خواستم نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم و به آنان اشارت کنم و مردم را به سویشان هدایت کنم (که آنان را شناسایی کنند) می توانستم؛ لیکن به خدا سوگند در کارشان کرامت نموده، لب فروبستم.

با این حال خداوند از من خشنود نخواهد شد؛ مگر فرمان او را در حق **علی** به شما ابلاغ کنم. آن گاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین خواند: ﴿ای پیامبر! آن چه از سوی پروردگارت بر تو فرود آمده﴾ (مائده / ۶۷) در حق **علی**، ﴿ابلاغ کن و گرنه رسالت او را انجام نداده ای و البته خداوند تو را از آسیب مردمان، نگاه می دارد﴾. (مائده / ۶۷)



هان مردمان! بدانید این آیه در باره ی اوست. ژرفای آن را بفهمید و بدانید که

وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ
بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ
وَالْمَمْلُوكِ، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ
مَوْحِدٍ، مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ
تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا
وَأَنْقَادُوا لِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - هُوَ مَوْلَاكُمْ وَالْإِهْكُمْ، ثُمَّ مِنْ
دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي **عَلِيٌّ** وَلِيِّكُمْ وَإِمَامُكُمْ

خداوند او را سرپرست و امام شما قرار داده و پیروی‌اش را بر مهاجران و انصار واجب کرده و بر پیروان آنان در نیکی، و بر صحرانشینان و شهروندان، و بر عجم و عرب و آزاده و برده و کوچک و بزرگ و سفید و سیاه و هر یکتا پرست؛ اجرای گفتار و فرمانش لازم، امرش نافذ، ناسازگارش رانده، پیرو و باورکننده‌اش در مهر است. البته که خداوند، او و شنوایان سخنش و پیروان راهش را آمرزیده است.

هان مردمان! برای آخرین بار در این اجتماع به پایستاده، (با شما سخن می‌گویم). سخنم را شنیده، پیروی کنید و فرمان پروردگارتان را گردن گذارید که خداوند عزوجل صاحب اختیار و سرپرست و معبود شماست و سپس سرپرست شما، فرستاده و پیامبر اوست که اکنون با شما سخن می‌گوید و پس از من به فرمان او، **علی** ولی و امام شماست.

بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ، إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.
لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - عَرَّفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا
عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوهُ. مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَكُلُّ عِلْمٍ
عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ **عَلِيًّا**،
وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي
إِمَامٍ مُبِينٍ﴾.

سپس امامت، در فرزندان من از نسل **علی** خواهد بود تا بر پای رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید. روانیست مگر آن چه خدا و رسول او و امامان روا دانند و ناروا نباشد مگر آن چه آنان ناروا دانند و خداوند عزّوجلّ هم روا و هم ناروا را به من شناسانده و من آموخته‌هایم را از کتاب خدا و حلال و حرام او را در اختیار **علی** گذاشته‌ام.

هان مردمان! او را برتر دانید؛ هیچ دانشی نیست مگر این که خداوند در جان من نبشته و من تمامی آن را در جان **علی**، امام پرهیزکاران، ضبط کرده‌ام و دانشی نبوده مگر آن که به **علی** آموخته‌ام. او پیشوای روشنگر است که خداوند در سوره‌ی یاسین از او گفت و گو کرده: ﴿و علم هر چیز را در امام مبین بر شمردیم﴾. (یس / ۱۲)

مَعَاشِرِ النَّاسِ ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا عَنْ وِلَايَتِهِ ، فَهُوَ
الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ ، وَلَا تَأْخُذْهُ
فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ .

أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ، لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ ، وَالَّذِي فَدَى
رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنْ
الرِّجَالِ غَيْرِهِ . أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ . أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ
يَنَامَ فِي مَضْجَعِي ، فَفَعَلَ فَادِيَا لِي بِنَفْسِهِ .

مَعَاشِرِ النَّاسِ ، فَضِّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ .

هان مردمان! او را فراموش نکنید و از امامتش برنتابید و از سرپرستی اش نگریزید؛ چرا که شما را به درستی و راستی خوانده و خود نیز بدان عمل می‌کند. او باطل را نابود کرده و شما را از آن بازدارد و هرگز نکوهش نکوهش‌گران او را از کار خدا باز ندارد.

او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان به من، از او سبقت نجسته و همو جان خود را فدای رسول خدا کرده و با او همراه بوده است. تنها او همراه رسول خدا عبادت می‌کرد و جز او از مردان کسی چنین نبود. **علی** اوّلین نمازگزار و پرستش‌کننده‌ی همراه من است. از جانب خدا به او دستور دادم تا (در شب هجرت) در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده، پذیرفت که جان خود را فدای من کند. هان مردمان! او را برتر بدانید که خداوند او را برتری داده و پیشوایی او را پذیرا باشید که خداوند او را (به امامت) نصب کرده است.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِّنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَىٰ أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهُ وَ
لَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا
نُكْرًا أَبَدَ الْآبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ، فَتَصَلُّوا ﴿نَارًا وَقُودُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ ﴿أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، بِي - وَ اللَّهِ - بَشَّرَ الْأَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا
- وَ اللَّهِ - خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ
أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ
الْأُولَى، وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِّنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ.

هان مردمان! او امام از جانب خداست و خداوند هرگز توبه‌ی منکر او را نپذیرد و چنین کسی را نیا مرزد. این است روش قطعی خداوند درباره‌ی ناسازگار با امامت **علی** و حتماً او را به عذاب دردناک جاودانه کیفر خواهد کرد. پس، از مخالفت او بهراسید؛ و گرنه خواهید افتاد ﴿در آتشی که آتش‌گیره‌ی آن مردمانند و سنگ﴾
(تحریم / ۶) ﴿که برای حق‌ستیزان آماده شده است﴾. (آل عمران / ۱۳۱)

هان مردمان! به خدا که پیامبران پیشین به ظهورم بشارت داده‌اند و همانا من فرجام آنان و برهان بر آفریدگان آسمانیان و زمینیانم. آن‌کس که راستی و درستی مرا باور نکند، به کفر جاهلی گذشته درآمده و تردید در سخنان امروزم، همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است

وَمَنْ شَكَ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَيِّمَةِ فَقَدْ شَكَ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي
النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، مَنَّا مِنْهُ عَلِيٌّ،
وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنْ أَيْدِ الْأَبْدِينَ، وَدَهْرِ
الدَّاهِرِينَ، وَعَلَى كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضِّلُوا عَلِيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي، مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى،
مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ. مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ
عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ.

و ناباوری در امامت یکی از امامان، به سان ناباوری در تمامی آنان است و جایگاه
ناباوران امامت ما، آتش دوزخ خواهد بود.

هان مردمان! خداوند عزّوجلّ از روی مَنّت و احسان خویش، این برتری را به من
پیش کش کرده و خدایی جز او نیست. هشدار که تمامی ستایش‌های من در تمامی
روزگاران و هر حال و مقام، ویژه‌ی اوست.

هان مردمان! **علی** را برتر دانید که او برترین مردان و زنان، پس از من است تا آن
هنگام که آفرینش برپاست و روزی شان فرود آید. دورِ دور باد، از مهر خداوند و
خشمِ خشم باد، بر آن که این گفته‌ام را نپذیرد و با من سازگار نباشد.

أَلَا إِنَّ جِبْرَائِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ:
«مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي»، ﴿وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ
لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ﴾ أَنْ تُخَالِفُوهُ ﴿فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا﴾ ﴿إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَّهُ جَنَّبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى مُخْبِرًا
عَمَّنْ يُخَالِفُهُ:

﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ﴾.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ وَانظُرُوا إِلَىٰ مُحْكَمَاتِهِ

هان! آگاه باشید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد: هر که با **علی** ستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد، نفرین و خشم من بر او باد. ﴿البته بایست هر کس بنگردد که برای فردای خویش چه پیش فرستاده. پس تقوا پیشه کنید﴾ (حشر / ۱۸) و از ناسازی با **علی** بپرهیزید؛ ﴿مباد که گام هایتان پس از استواری در لغزد﴾ (نحل / ۹۴) و همانا خداوند بر کردارتان آگاه است. ﴿(حشر / ۱۸)

هان مردمان! او هم جوار و همسایه‌ی خداوند است که در کتاب گران قدر خود (قرآن) او را یاد کرده و درباره‌ی ستیزندگان با او فرموده: ﴿مبادا کسی در روز قیامت بگوید: افسوس که درباره‌ی هم جوار و همسایه‌ی خداوند کوتاهی کرده‌ام﴾. (زمر / ۵۶)

هان مردمان! در قرآن اندیشه کنید و ژرفای آیات آن را دریابید و بر محکمتاش

وَلَا تَتَّبِعُوا مِثْلَ مَا تُشَابِهُهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَنْ يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ
إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَ شَائِلٌ بِعَضُدِهِ وَ رَافِعُهُ بِيَدَيَّ
وَ مُعَلِّمُكُمْ:

أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا **عَلِيٌّ** مَوْلَاهُ، وَهُوَ **عَلِيٌّ** بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي،
وَ مَوْلَاتُهُ مِنَ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ **عَلِيًّا** وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ،
وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ،
لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

نظر کنید و از متشابهات آن پیروی ننمایید. به خداوند سوگند که باطن‌ها و تفسیر آن را روشن نمی‌کند مگر همین که دست و بازوی او را گرفته و بالا آورده‌ام و اعلام می‌دارم:

هر آن کس که من سرپرست اویم، این **علی** سرپرست اوست و او **علی**، فرزند ابی طالب، برادر و وصی من است؛ ولایت و سرپرستی او حکمی از سوی خداست که بر من فرو فرستاده است.

هان مردمان! همانا **علی** و پاکان از فرزندانم از نسل او، یادگار گران سنگ کوچک ترند و قرآن، یادگار ارزشمند بزرگ تر. هریک از این دو از دیگر همراه خود حکایت می‌کند و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

أَلَا إِنَّهُمْ أُمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أَدَّيْتُ، أَلَا وَقَدْ
بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - قَالَ
وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ -: أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا
لَا تَحِلُّ أَمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

٤

ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ.
فَقَالَ: أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ
عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

هان! آنان امانت داران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او، در زمین اند. هشدار که من وظیفه‌ی خود را ادا کردم. وظیفه‌ام را ابلاغ کردم و به گوش شما رساندم. هشدار که روشن نمودم. بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم. هان بدانید! هرگز به جز این برادرم، کسی نباید «امیرالمؤمنین» خوانده شود. هشدار که پس از من، امارت مؤمنان برای کسی جز او روا نباشد.



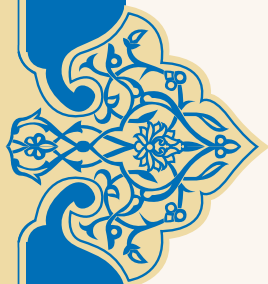
سپس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما یان به شما؟ گفتند: خداوند و رسول او. آن‌گاه فرمود: آن‌که من سرپرست اویم، پس این **علی** ولی و سرپرست اوست. خداوندا! پذیرای ولایت او را دوست بدار و دشمن او را دشمن دار و یار او را یاری کن و رهاکننده‌ی او را تنهاگذار.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّ، وَوَاعِي عِلْمِي، وَخَلِيفَتِي فِي
أُمَّتِي، عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي، وَ عَلِيٌّ تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَالِدَاعِي إِلَيْهِ،
وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ، وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ، وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ،
وَ النَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي
مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ. يَقُولُ اللَّهُ: ﴿ مَا يُبَدَّلُ
الْقَوْلُ لَدَيَّ ﴾. بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ:

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ اخْذُلْ مَنْ
خَذَلَهُ، وَ الْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ، وَ اغْضَبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

هان مردمان! این **علی** است برادر و وصی و نگاهبان دانش من و جای نشین من در میان امت و ایمان آورندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا. او مردمان را به سوی خدا بخواند و به آن چه موجب خشنودی اوست، عمل کند و با دشمنان او ستیز نماید. او سرپرست فرمانبرداری خدا باشد و بازدارنده از نافرمانی او. همانا اوست جانشین رسول الله و فرمانروای ایمانیان و از سوی خدا، پیشوای هدایتگر. اوست پیکارکننده‌ی با پیمان‌شکنان و رویگردانان از راستی و درستی و به دررفتگان از دین. خداوند فرماید: ﴿فرمان من دگرگونی نمی‌پذیرد﴾. (ق / ۲۹)

پروردگارا! اکنون به فرمان تو می‌گویم: خداوندا! دوست داران او را دوست دار و دشمنانش را دشمن. پشتیبانان او را پشتیبانی و یارانش را یاری کن و خودداری‌کنندگان از یاری‌اش را رها کن. ناباورانش را از مهرت بران و خشم خود را بر آنان فرود آور.



اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي **عَلِيٍّ** وَلِيِّكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَنَضْبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا
الْيَوْمِ: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ
الْإِسْلَامَ دِينًا﴾، وَقُلْتُ: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾، وَقُلْتُ: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ
غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.



مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ
وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صُلِبَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ

معبودا! تو خود در هنگام بیان ولایت **علی** و برپایی او فرمودی: ﴿امروز آیین شما را به کمال و نعمتم را برای شما تمام نمودم و با خشنودی، اسلام را دین شما قرار دادم﴾. (مائده / ۳) و فرمودی: ﴿همانا، دین نزد خدا تنها اسلام است﴾ (آل عمران / ۱۹) و نیز فرمودی: ﴿و آن که به جز اسلام دینی بجوید؛ از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر، در شمار زیانکاران خواهد بود﴾. (آل عمران / ۸۵) خداوندا! تو را گواه می‌گیرم که پیام تو را به مردمان رساندم.



هان مردمان! خداوند عزوجل دین را با امامت **علی** تکمیل نمود. اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او - تا برپایی رستاخیز و عرضه‌ی بر خدا -

-عَزَّوَجَلَّ-، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ ﴿حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ ﴿وَفِي
النَّارِهِمْ خَالِدُونَ﴾، ﴿لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ، أَنْصَرُّكُمْ لِي، وَ أَحَقُّكُمْ بِي، وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ،
وَاعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَ اللَّهُ -عَزَّوَجَلَّ- وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ. وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضَاً فِي
الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَ لَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَ لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي
الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَ لَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ﴾ إِلَّا لَهُ،
وَ لَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَ لَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ هُوَ التَّقِيُّ

پیروی نکنند، ﴿کرده‌هایشان در دو جهان بیهوده بوده﴾؛ (بقره / ۲۱۷) ﴿و در آتش دوزخ جاودانه خواهند بود﴾. (توبه / ۱۷) ﴿به گونه‌ای که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی برای نجات خواهد بود﴾. (بقره / ۱۶۲)

هان مردمان! این **علی** است یاورترین، سزاوارترین، نزدیک‌ترین و گران‌قدرترین شما نزد من و خداوند عزّوجلّ و من از او خوشنودیم. آیه‌ی رضایتی در قرآن نیست مگر درباره‌ی او و هرگاه خداوند ایمانیان را خطاب‌ی نموده، به او آغاز کرده و آیه‌ی ستایشی نازل نگشته مگر درباره‌ی او و در سوره‌ی «هل أتی علی الإنسان» گواهی بر بهشت نداده مگر برای او و آن را در حقّ غیر او فرو نیاورده و به وسیله‌ی آن جز او را نستوده است.

هان مردمان! **علی** یاور دین خدا و دفاع‌کننده‌ی از رسول اوست و هم او پرهیزکار

النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ. نَبِيِّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَبَنُوهُ خَيْرُ
الْأَوْصِيَاءِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
عَلِيِّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَاتَحْسُدُوهُ،
فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزِلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ
وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ -، وَكَيْفَ بِكُمْ وَانْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ
أَعْدَاءُ اللَّهِ. أَلَا وَانَّهُ لَا يُبْغِضُ **عَلِيًّا** إِلَّا شَقِيٌّ، وَلَا يُؤَالِي **عَلِيًّا** إِلَّا تَقِيٌّ،

پاکیزه و رهنمای ارشاد شده به دست خود خداست. پیامبرتان برترین پیامبران،
جانشینش در میان شما برترین جانشینان و فرزندانش برترین اوصیایند.
هان مردمان! فرزندان پیامبران از نسل آنان اند و فرزندان من از نسل امیرالمؤمنین
علی.

هان مردمان! به راستی که شیطانِ اغواگر، آدم را بارشک، از بهشت راند. مباد شما
به **علی** رشک ورزید که آن‌گاه کرده‌هایتان نابود و گام‌هایتان لغزان خواهد شد.
آدم به خاطر یک اشتباه، به زمین هبوط کرد، حال آن‌که برگزیده‌ی خدای عزّوجلّ
بود؛ پس چگونه خواهید بود که شما شماید و دشمنان خدا نیز از میان شما آیند.
هشدار! که با **علی** نمی‌ستیزد مگر شقی و سرپرستی‌اش را نمی‌پذیرد مگر رستگار پرهیزکار

وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا الْمُؤْمِنُ الْمُخْلِصُ. وَفِي **عَلِيٍّ** - وَ اللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ:
﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾، **إِلَّا عَلِيًّا**
الَّذِي آمَنَ وَرَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ
إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾.



مَعَاشِرَ النَّاسِ، ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي﴾ أَنْزَلَ مَعَهُ

و به او نمی‌گردد مگر ایمان دار بی‌آلایش و به خدا سوگند سوره‌ی «والعصر»
درباره‌ی او نازل شده است: ﴿به نام خداوند همه مهرِ مهرورز، به زمان سوگند که
انسان در زیان است﴾. (والعصر / ۱-۲) مگر **علی** که ایمان آورده و به درستی و شکیبایی
آراسته است.

هان مردمان! خدا را گواه می‌گیرم که پیام او را به شما رساندم و ﴿بر فرستاده،
وظیفه‌ای جز بیان روشن نیست﴾. (عنکبوت / ۱۸-نور / ۵۴)
هان مردمان! ﴿تقوا پیشه کنید همان‌گونه که بایسته است و نمیرید جز با شرفِ
اسلام﴾. (آل عمران / ۱۰۲)



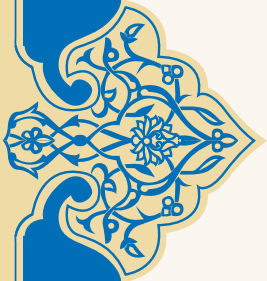
هان مردمان! ﴿ایمان آورید به خدا و رسول او و نوری که﴾ (تغابن / ۸) همراهش فرود آمده

﴿مَنْ قَبِلَ أَنْ نَطْمَسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا
أَصْحَابَ السَّبْتِ﴾ بِاللَّهِ مَا عَنِيَ بِهَذِهِ الْآيَةِ الْآقَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ
بِأَسْمَائِهِمْ وَانْسَابِهِمْ، وَقَدْ أُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ، فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَىٰ
مَا يَجِدُ لِعَلِيِّ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - مَسْلُوكٌ فِيَّ، ثُمَّ فِي **عَلِيِّ** بْنِ
أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى **الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ**، الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ
وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ
وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْآثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ

﴿پیش از آن که چهره‌ها را تباه و باژگونه کنیم، یا چونان اصحاب روز شنبه (یهودیانی که بر خدانیرنگ آوردند) رانده شوید﴾. (نساء / ۴۷) به خدا سوگند که مقصود خدا از این آیه، گروهی از صحابه‌اند که آنان را با نام و نسب می‌شناسم؛ لیکن به پرده‌پوشی کارشان مأمورم. آنک هر کس پایه‌ی کار خویش را مهر یا خشم **علی** در دل قرار دهد و بداند که ارزش عمل او، وابسته به آن است.

هان مردمان! نور از سوی خداوند عزّوجلّ در جان من، سپس در جان **علی بن ابی طالب** و آن‌گاه در نسل او **تاقائم مهدی** - که حقّ خدا و تمامی حقّ ما را می‌ستاند - جای گرفته است؛ چرا که خداوند عزّوجلّ ما را دلیل و حجّت قرار داده بر کوتاهی‌کنندگان به عمد، ستیزه‌گران، ناسازگاران، خائنان و گنه‌کاران و ستمگران



وَ الْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أُنذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلْتُ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ ، أَفَأَنْ

مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ ﴿وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ

شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿ الصَّابِرِينَ . أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ

بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، ﴿ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ ﴾ ، بَلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيُحِبِّطَ

عَمَلَكُمْ وَ يَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَ يَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ ﴿ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٍ ﴾ ، إِنْ رَبَّكُمْ

﴿لِبِالْمَرْصَادِ﴾ .

و غاصبان از تمامی جهانیان.

هان مردمان! هشدارتان می‌دهم: همانا من رسول خدایم. پیش از من نیز رسولانی آمده و سپری شده‌اند. پس آیا اگر بمیرم یا کشته شوم، به جاهلیت برمی‌گردید؟ ﴿و آن‌که به قهقرا برگردد، هرگز خدا را زیانی نخواهد رسانید و او سپاس‌گزاران شکیبا را پاداش خواهد داد﴾. (آل عمران / ۱۴۴) هان! **علی** و فرزندان من از نسل او، دارای کمال شکیبایی و سپاس‌گزاری‌اند.

هان مردمان! ﴿اسلامتان را بر من منت نگذارید﴾؛ (حجرات / ۱۷) و بر خدا نیز، که اعمالتان را بیهوده و تباه خواهد کرد و او بر شما خشم خواهد گرفت و شما را به ﴿شعله‌ای از آتش و مس‌گداخته﴾ (الرحمن / ۳۵) گرفتار خواهد کرد. به یقین پروردگار شما در ﴿کمین‌گاه است﴾. (فجر / ۱۴)

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَيْمَّةٌ ﴿يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ﴾ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّ اللَّهَ وَانَا بَرِيئَانِ مِنْهُمُ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّهُمْ وَانصَارَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ ﴿فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ﴾ وَ﴿لَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ . أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ ، فَلْيَنْظُرُوا أَحَدَكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ !!

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ

هان مردمان! به زودی پس از من امامانی خواهند آمد و ﴿ شما را به آتش خواهند خواند. آنان در روز رستاخیز، تنها و بی‌یاور خواهند بود ﴾. (قصص / ۴۱)

هان مردمان! آگاه باشید که خداوند و من از آنان بیزاریم.

هان مردمان! حتماً آنان و یاران و پیروان و تابعانشان ﴿ در پست‌ترین جایگاه آتش خواهند بود ﴾ (نساء / ۱۴۵) و ﴿ چه جایگاه بدی است منزل متکبران ﴾. (نحل / ۲۹) هان! که

آنان اصحاب صحیفه‌اند. اکنون هر کس در صحیفه‌ی خود نظر کند!!

هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت به امانت به جای می‌گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز و اکنون، مأموریت تبلیغی خود را انجام دادم تا برهان بر هر شاهد و غایب باشد و نیز بر همه‌ی آنان که

شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وُلِدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ، **فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرِ الْغَائِبِ وَالْوَالِدِ الْوَلَدَ إِلَى**
يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاغْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ
الْمُغْتَصِبِينَ، وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ ﴿لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ﴾ مَنْ يَفْرُغُ، وَ﴿يُرْسَلُ
عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - لَمْ يَكُنْ لِيَذَرَكُمْ ﴿عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى
يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ﴾.

زاده شده یا نشده‌اند. «پس بایسته است، این سخن را حاضران به غایبان و فرزندان به فرزندان تا برپایی رستاخیز ابلاغ کنند.» و به زودی گروهی پس از من، امامت را چپاول کرده، با پادشاهی جابه‌جا کنند.

هان! خشم خدا بر غاصبان و چپاول‌گران و البته به زودی ﴿به کار شما، جن و انس﴾ (الرحمن / ۳۱) خواهد پرداخت. آن‌که می‌پردازد - عذاب خواهد کرد - و ﴿شعله‌های آتش و مس‌گداخته بر سر شمار یخته خواهد شد و در آن هنگام هرگز یاری نمی‌شوید﴾ (الرحمن / ۳۵)

هان مردمان! همانا خداوند عزّوجلّ شما را به خود رها نخواهد کرد ﴿تا ناپاک را از پاک جدا کند و هر آینه خداوند شما را بر غیب آگاه نمی‌سازد﴾ (آل عمران / ۱۷۹)

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَ اللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ
مُمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَ اللَّهُ مُصَدِّقُ وَعْدِهِ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ، وَ اللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَ هُوَ
مُهْلِكُ الْآخِرِينَ . قَالَ اللَّهُ تَعَالَى :

﴿ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ، ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ، وَيَلُ
يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ . ﴾

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي ، وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ بِأَمْرِهِ .
فَعَلِمُ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ لَدَيْهِ ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا ، وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا ،

هان مردمان! هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب اهل آن - حق را - آن را پیش از برپایی رستاخیز نابود خواهد کرد و آن سرزمین را به امام مهدی خواهد سپرد و حتماً خداوند وعده‌ی خود را انجام خواهد داد.

هان مردمان! شمار فزونی از گذشتگان شما، گمراه شدند و خداوند نابودشان کرد و همو نابودکننده‌ی آیندگان است. خداوند فرموده:

﴿آیا پیشینیان را تباه نکردیم؟ و در پس آنان، آیندگان را نابود نساختیم؟ آری با مجرمان این چنین کنیم. وای بر ناباوران در روز رستاخیز﴾. (مرسلات / ۱۶-۱۹)

هان مردمان! همانا خداوند مرا فرمان داده و باز داشته و من نیز به دستور او به **علی** امر و نهی کرده‌ام؛ پس دانش امر و نهی در نزد **علی** است. فرمان او را بشنوید تا سلامت مانید و اطاعتش کنید تا هدایت شوید

وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا، وَصَيِّرُوا إِلَىٰ مُرَادِهِ وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.



مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وُلِدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةُ الْهُدَىٰ، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ ﴿وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾. ثُمَّ قَرَأَ:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ،

و از آن چه باز می‌دارد، خودداری کنید تا راه یابید و به سوی مقصد او حرکت کنید
﴿و هرگز راه‌های پراکنده، شما را از راه او باز ندارد﴾ . (انعام / ۱۵۳)



هان مردمان! خداوند را صراط مستقیم منم که فرمان به پیروی آن داده و سپس
علی و آن‌گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان هدایت‌اند که به راستی و درستی راه
می‌برند ﴿و با حق دادگری می‌کنند﴾ . (اعراف / ۱۵۹) سپس چنین خواند:

﴿به نام خداوند همه مهر مهرورز﴾

﴿تمامی ستایش‌ها و ویژه‌ی پروردگار جهانیان است. همو که به همه‌ی آفرینش مهر
می‌ورزد و به ویژه‌گان، مهر ویژه دارد. فرمانروای روز جزاست. خداوند! تنها تو
را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. ما را به صراط مستقیم راهنمایی کن.



صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿١٢٢﴾
وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ - وَ اللَّهِ - نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أَوْلِيكَ
أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ ﴿لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾، ﴿إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
الْغَالِبُونَ﴾.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ، إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ، ﴿يُوحَىٰ بَعْضُهُمْ
إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا
يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ

راه آنان که بر ایشان مَنّت نهاده، نعمتشان بخشیدی؛ نه راه خشم‌شدگان و نه راه گمراهان! ﴿ (حمد / ۱-۷)

و آن‌گاه ادامه داد: این سوره درباره‌ی من نزول یافته و به خدا سوگند شامل امامان است و به آنان اختصاص یافته. آنان اند اولیای خدا که ﴿ ترس و اندوهی برایشان نباشد ﴾. (یونس / ۶۲) هان! ﴿ همانا حزب الاهی چیره خواهد بود ﴾. (مائده / ۵۶)

هان! ستیزندگانِ آنان گمراه و نابخرد و همکاران شیاطین‌اند که ﴿ برای گمراهی مردمان، سخنان بیهوده را به یکدیگر می‌رسانند ﴾. (انعام / ۱۱۲)

هشدار! خداوند در کتاب خود از دوستان امامان چنین یاد کرده:

﴿ ای پیامبر ما! نمی‌یابی ایمان آورندگان به خدا و روز بازپسین را که ستیزه‌گرانِ خدا و رسول او را دوست بدارند؛ گرچه پدران،

أَوْ أَبْنَائِهِمْ أَوْ إِخْوَانِهِمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ
وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ ﴿١٢٤﴾

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - فَقَالَ: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا
وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾.
أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ﴿لَمْ يَرْتَابُوا﴾.
أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، ﴿تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ﴾

فرزندان، برادران و خویشانانشان باشند. خداوند ایمان را در دل‌هایشان تثبیت فرموده و با روحی از سوی خود، ایشان را تأیید نمود و آنان را جاودانه در بهشت‌هایی در خواهد آورد که از زیر درختان آنها، نهرها جاری است. خداوند از آنان خشنود است و آنان از خداوند. همانان اند حزب خدا. هشدار که حزب الاهی رستگاران اند ﴿﴾ . (مجادله / ۲۲)

هان! دوستان امامان، مؤمنانی هستند که خداوند عزوجلّ چنین توصیف فرموده: ﴿﴾ آنان که ایمان آورده، باور خود را به شرک نیالوده‌اند؛ پس ایشان در امان اند و راه یافتگان ﴿﴾ . (انعام / ۸۲)

هشدار! یاران پیشوایان به باور رسیدگان اند و ﴿﴾ دور از تردید و انکار ﴿﴾ . (حجرات / ۱۵)
هشدار! ایشان با آرامش و سلامت به بهشت در خواهند شد. ﴿﴾ و فرشتگان، بارفاه

بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ، طِبْتُمْ، فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ، ﴿يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ ﴿يَصْلُونَ سَعِيرًا﴾.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبَنَّهُمْ ﴿شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ﴾ وَيَرُونَ لَهَا
زَفِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا

أَدَارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هؤُلاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا

ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ﴾.

و تسلیم آنان را پذیرفته ﴿ انبیاء / ۱۰۳ ﴾ می‌گویند: ﴿ درود بر شمایان، اکنون پاکیزه شده‌اید! در بهشت، جاودانه درآیید ﴾ (زمر / ۷۳)

هان! بهشت پاداش دوستان امامان است که ﴿ در آن بی حساب روزی داده خواهند شد ﴾. (غافر / ۴۰) هشدار! دشمنان امامان ﴿ در آتش درآیند ﴾. (نساء / ۱۰)

هشدار! که ﴿ ناله‌ی افروزش جهنم را - در حالی که شعله‌های آن زبانه می‌کشد - می‌شنوند و زفیر (صدای بازدم) آن را در می‌یابند ﴾. (ملک / ۷) و خداوند در وصفشان فرماید: ﴿ هرگاه امتی در جهنم درآید، همتای خود را نفرین کند تا آن که تمامی آنان به یکدیگر پیوندند؛ پسینیان به پیشینیان گویند: پروردگارا! اینان ما را گمراه کردند؛ پس بر آنان کیفر دو چندان از آتش فرود آور. خداوند فرماید: برای هر دو گروه، کیفر دو چندان خواهد بود ولیکن شما نمی‌دانید ﴾. (اعراف / ۳۸)



أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ -:

﴿كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا

نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ، وَقَالُوا لَوْ

كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ، فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا

لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ.﴾

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ ﴿الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾.

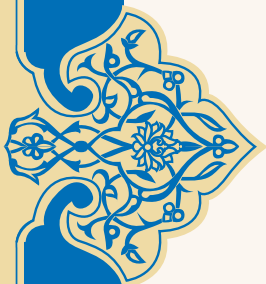
مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَدُونَا مَن ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلِيِّنَا كُلُّ مَن مَدَحَهُ اللَّهُ وَآحَبَّهُ.

هشدار! که خداوند درباره‌ی دشمنان امامان فرماید: ﴿هر گروه از آنان که در جهنم انداخته شوند، نگاهبانان از آنان می‌پرسند: مگر بر شما ترساننده‌ای نیامد؟ گفتند: چرا! لیکن تکذیب کرده، گفتیم: خداوند خبری نداده و شما یان نیستید مگر در گمراهی بزرگ و نیز می‌گویند: اگر سخن خدا را می‌شنیدیم یا اندیشه می‌کردیم، اکنون در میان اهل آتش نبودیم. پس اینان به گناه خود اعتراف نمودند، پس دور باد دوزخیان از رحمت خدا﴾ (ملک / ۸-۱۱) هان! یاران امامان ﴿در نهان، از پروردگار خویش ترسانند. آمرزش و پاداش بزرگ برایشان خواهد بود﴾. (ملک / ۱۲)

هان! چه بسیار راه است میان شعله‌های آتش و پاداش بزرگ.

هان مردمان! ستیزه‌جوی ما کسی است که خداوند او را ناستوده و نفرین فرموده و یاران و دوستان ما آنان‌اند که خدا ایشان را ستوده و دوست می‌دارد.



مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أَلَا وَإِنِّي أَنَا النَّذِيرُ وَعَلِيٌّ ^ع الْبَشِيرُ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلِيٌّ ^ع هَادٍ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أَلَا وَإِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ ^ع وَصِيٌّ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَعَلِيٌّ ^ع الْإِمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي ، وَالْأَيُّمَةُ

مِنْ بَعْدِهِ وُؤُدُهُ . أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ .

٨

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيُّمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ . أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ . أَلَا إِنَّهُ

الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ . أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا .

هان مردمان! همانا من انذارگرم و **علی** بشارت دهنده!

هان مردمان! من بیم دهنده‌ام و **علی** راهنماست.

هان مردمان! من پیامبرم و **علی** وصی من است.

هان مردمان! من رسول‌ام و **علی**، امام و وصی پس از من است و پس از او امامان،

فرزندان اویند. آگاه باشید! من والد آنان و ایشان از صلب اویند.



آگاه باشید! همانا آخرین امام، **قائم مهدی**، از ماست. هان! او بر تمامی ادیان،

چیره خواهد بود. هشدار! اوست انتقام‌گیرنده‌ی از ستمکاران. هشدار! اوست

فتح‌کننده‌ی دژها و منهدم‌کننده‌ی آن‌ها.

أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ وَهَادِيهَا.
أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.
أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.
أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ.
أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ، وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.
أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ.
أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.
أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَالْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.

هشدار! اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و رهنمای آنان.

هشدار! اوست خون خواه تمامی اولیای خدا.

هان! همانا او یاور دین خداست.

هان! او از دریایی ژرف، پیمان‌هایی افزون گیرد.

هشدار! او هر ارزشمندی را به اندازه‌ی ارزش او و هر نادان و بی‌ارزشی را به

اندازه‌ی نادانی‌اش نشان‌دار کند.

هان! او نیکو و برگزیده‌ی خداست.

هشدار! اوست میراث‌دار دانش‌ها و احاطه‌دار برادران‌ها.

هان! او از پروردگارش خبر دهد و نشانه‌های او را برپا کند و استحکام بخشد.

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ.

أَلَا إِنَّهُ الْمَفَوَّضُ إِلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ، وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ، وَلَا نُورَ
إِلَّا عِنْدَهُ.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.

أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَآمِينُهُ فِي سِرِّهِ
وَإِعْلَانِيَتِهِ.

هشدار! اوست بالیده و استوار.

آگاه باشید! هموست که اختیار امور جهانیان به او سپرده شده.

هان! پیشینیان از قرن‌ها ظهور او را پیش‌گویی کرده‌اند.

هشدار! اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود.^۱ راستی و روشنایی

جز با او نیست.

هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده‌ی او، یاری نخواهد گشت.

هشدار! او ولیّ خدا در زمین، داور او در میان مردم و امانت‌دار امور آشکار و نهان

است.

۱. این تعبیر به عنوان حجت، امامت و مسؤولیت است و نظری به رجعت دیگر امامان ندارد؛ زیرا که آنان

حجت‌های پیشین‌اند که دوباره رجعت خواهند کرد.

مَعَاشِرِ النَّاسِ ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَ أَفْهَمْتُكُمْ ، وَ هَذَا **عَلَيَّ** يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي .
 أَلَا وَ إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ ، وَ الْإِقْرَارِ
 بِهِ ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي .

أَلَا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ **عَلَيَّ** قَدْ بَايَعَنِي ، وَ أَنَا أَخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ
 - عَزَّ وَ جَلَّ - .

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ . فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا
 يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ ، وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴾ .

هان مردمان! من پیام خدا را برایتان آشکار کرده، تفهیم نموده‌ام و این **علی** است که پس از من، شما را آگاه می‌کند.

اینک شما را می‌خوانم که پس از پایان خطبه، برای انجام بیعت با او و اقرار به امامتش، با من و سپس با او دست دهید.

هشدار! من با خدا بیعت کرده‌ام و **علی** با من پیمان بسته است و اکنون از سوی خدای عزّوجلّ بر امامت او از شما پیمان می‌گیرم.

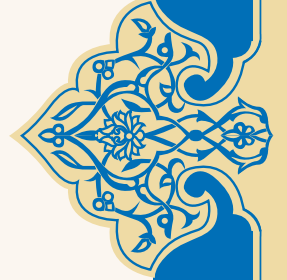
﴿ای پیامبر! آنان که با تو بیعت کنند، هر آینه با خدا بیعت کرده‌اند. دست خدا بر فراز دست آنان است و آن کس که بیعت شکند، به زیان خود شکسته و خداوند آن را که بر پیمان الاهی وفادار باشد، پاداش بزرگی خواهد داد﴾. (فتح / ۱۰)



مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، ﴿فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ
أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ
عَلِيمٌ﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَأُبْشِرُوا،
وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا بُتِرُوا وَأَفْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى
وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.





هان مردمان! همانا حج و عمره از شعایر و آداب خدایی است. ﴿پس زایران
خانه‌ی خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند و آن کس که در انجام
کار خیر، فرمان برداری کند حتماً خداوند سپاس‌گزار داناست﴾. (بقره / ۱۵۸)

هان مردمان! در خانه‌ی خدا حج به جای آورید؛ هیچ خاندانی داخل آن نشد مگر
بی‌نیاز شد و مژده گرفت و آن که روی از آن برتافت، بی‌بهره و نیازمند گشت.

هان مردمان! مؤمنی در موقف (عرفات و مشعر و منا) نماند مگر این که خداوند
گناهان گذشته‌ی او را آمرزید. پس بایسته است که پس از پایان اعمال حج (با
پاکی) کار خود را از سر گیرد.



مَعَاشِرِ النَّاسِ ، الْحُجَّاجِ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ .

مَعَاشِرِ النَّاسِ ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّفَقُّهِ ، وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ
الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعِ .

مَعَاشِرِ النَّاسِ ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - ، فَإِنْ
طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ **فَعَلِيٌّ** وَلِيَّكُمْ وَ مُبَيَّنٌ لَكُمْ ، الَّذِي نَصَبَهُ
اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلَقَهُ . إِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ ، وَ هُوَ وَ مَنْ يَخْلُفُ
مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ ، وَ يَبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ .

هان مردمان! حاجیان از سوی خداوند کمک شده و هزینه‌های سفرشان جای‌گزين خواهد شد و البته، خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد فرمود.
هان مردمان! خانه‌ی خدا را با دین کامل و ژرفای دانش دیدار کنید و از زیارتگاه‌ها جز با توبه و بازایستادن (از گناهان) برنگردید.

هان مردمان! نماز را به پا دارید و زکات پردازید؛ همان‌سان که خداوند عزوجل امر فرموده است. پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید و یا از یاد بردید، **علی** صاحب اختیار و تبیین‌کننده‌ی بر شماست. همو که خداوند عزوجل پس از من، او را امانت‌دار خویش در میان آفریدگان نهاده است. او از من و من از اویم. همانا او و جانشینانش از فرزندان من به پرسش‌هایتان پاسخ داده، آنچه را نمی‌دانید، به شما می‌آموزند.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأَعْرَفَهُمَا، فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَ
أَنهى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ أَخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ
بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - فِي **عَلِيِّ** أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ
مِنْ بَعْدِهِ، الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ، إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا **الْمَهْدِيُّ** إِلَى
يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهُ، الَّذِي يُقَدَّرُ وَيَقْضَى.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَكُلِّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ، وَكُلِّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَإِنِّي
لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ.

أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ.

هان! روا و ناروا بیش از آن است که آن‌ها را شمارش کرده، یک‌باره به روا فرمان
دهم و از ناروا باز دارم؛ از این روی مأمورم که از شما پیمان بگیرم که دست
در دست من نهید در پذیرش آنچه از سوی خداوند عزّوجلّ درباره‌ی **علی**
امیر مؤمنان آورده‌ام و درباره‌ی اوصیای پس از او که از من و اویند. این امامت در
میان آنان پایدار است و فرجام آنان، **مهدی** است و استواری پیشوایی تاروژی است
که او با خداوندِ قدر و قضا دیدار کند (قیامت).

هان مردمان! شمایان را به هر روا و ناروا (حلال و حرام) رهنمایی کردم و از آن
برنمی‌گردم. هان! آن‌ها را یاد آورید و نگه دارید و یکدیگر را به آن توصیه کنید و
احکام خدا را دگرگون نسازید.

أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ
وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ. أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي،
وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ، وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي، وَتَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ
أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَمِنِّي. وَلَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيَ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ
إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ، وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُمْ
مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾.
وَقُلْتُ: لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا.

هشدار! دوباره یاد می‌آورم: هان! نماز به پا دارید و زکات بپردازید و به معروف فرمان دهید و از منکر بازدارید. هشدار! برترین بخش امر به معروف این است که به گفته‌ی من - درباره‌ی امامت و ولایت **علی** و فرزندان او - برسید و سخنم را به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری با من بازدارید که این سخنان، فرمان خدا و من است. (هان!) هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی‌یابد.

هان مردمان! قرآن بر شمار روشن می‌کند که امامان پس از **علی**، فرزندان اویند و من به شما معرفی کردم که آنان از او و از من اند؛ چرا که خداوند در کتاب خود می‌گوید: ﴿امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد﴾ (زخرف / ۲۸) و من نیز گفته‌ام: «مادام که به آن دو - قرآن و امامان - تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.»

مَعَاشِرِ النَّاسِ ، التَّقْوَى ، التَّقْوَى ، وَ احْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ
- عَزَّوَجَلَّ -: ﴿ اِنَّ زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ۝۱۱۱ ﴾ .

اَذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَ الْمَعَادَ وَ الْحِسَابَ وَ الْمَوَازِينَ وَ الْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَ الثَّوَابَ وَ الْعِقَابَ .

فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ اُثِيبَ عَلَيْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ
نَصِيبٌ .



مَعَاشِرِ النَّاسِ ، اِنَّكُمْ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ ،

هان مردمان! پرهیزکاری! پرهیزکاری! از سختی رستخیز پرهیزید؛ آن سان
که خداوند عزوجل فرموده: ﴿البته زمین لرزه‌ی رستاخیز، حادثه‌ای بزرگ
است﴾ (حج / ۱)

یاد آورید مرگ و قیامت را، حساب و ترازوها (برای توزین اعمال) را، محاسبه‌ی
در برابر پروردگار جهانیان و پاداش و کیفر را.
پس آن که نیکی کرد، پاداش گیرد و آن که بدی کرد، بهره‌ای از بهشت نخواهد برد.



هان مردمان! شمار شما بیش از آن است که در یک زمان بایک دست، با من بیعت کنید؛

وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - أَنْ آخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْأَقْرَارِ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَلِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ مِنِّي وَ مِنْهُ ، عَلَى مَا أَعَلَمْتُكُمْ أَنَّ
ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ .

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ : «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَغَتْ عَنْ
رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرٍ أَمِنَّا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ .
نُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيَدِينَا .
عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ ، وَ لَنْغَيِّرَ وَ لَنْبَدِّلَ ، وَ لَنْشُكُّ
وَ لَنْجُحِدُ وَ لَنْرْتَابُ ، وَ لَنْرْجِعَ عَنِ الْعَهْدِ وَ لَنْنُقْضَ الْمِيثَاقَ .

از این روی خداوند عزّوجلّ دستور فرموده که از شما اقرار زبانی گیرم و پیمان سرپرستی **علی** امیرالمؤمنین را محکم کنم و نیز بر امامان پس از او که از نسل من و اویند؛ چرا که گفتم: فرزندانم از نسل اویند.

پس همگان بگویند: «البتّه که سخنان تو را شنیده، پیروی می‌کنیم و از آن خشنود و بر آن گردن گذاریم و بر آن چه از سوی پروردگاران و پروردگار تو در امامت امامان **علی** امیرالمؤمنین و دیگر امامان - از صلب او - به ما ابلاغ کردی، با تو پیمان می‌بندیم؛ پیمانی با دل و با جان و با زبان و دستانمان.

با این پیمان زنده‌ایم و با آن خواهیم مرد و با این اعتقاد برانگیخته می‌شویم و هرگز آن را دگرگون نکرده، شکّ و انکار نخواهیم داشت و هرگز از عهد خود برنگشته، پیمان نشکنیم.

وَعَظَّتْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي **عَلِيٍّ** أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَّةِ، الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ
مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ، **الْحَسَنِ** وَ**الْحُسَيْنِ** وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا.

فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَا خُوذُ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَانْفُسِنَا وَالسِّنْتِنَا وَضَمَائِرِنَا
وَإَيْدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَالْأَفْقَدُ أَقْرَبَ بِلِسَانِهِ، وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا
وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا.

نَحْنُ نُؤَدِّي ذَالِكَ عَنْكَ، الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا، وَنُشْهَدُ اللَّهَ
بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةَ كُلِّ نَفْسٍ،

(ای رسول خدا!) ما را به فرمان خدا پند دادی درباره‌ی **علی** امیرمؤمنان و امامان پس از او، فرزندان از نسل او، **حسن** و **حسین** و پیشوایان پس از آن دو که خداوند برپایشان کرده. اینک برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از دل‌ها و جان‌ها و زبان‌ها و درون‌ها و از دستانمان. هر کس توانست با دست، و گرنه با زبان بیعت نمود.

دیگر پیمان نخواهیم شکست و خداوند دگرگونی از ما نبیند و از این پس فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خواهیم رساند و خداوند را بر آن گواه گیریم و او بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش.»

هان مردمان! اکنون چه می‌گویید؟

البته خداوند هر صدایی را می‌شنود و بر اسرار دل‌ها آگاه است.

﴿فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا﴾ ، وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا
يُبَايِعُ اللَّهَ ، ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، فَبَايَعُوا اللَّهَ وَ بَايَعُونِي وَ بَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ
وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ كَلِمَةً بَاقِيَةً .

يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَفَى ، ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ
وَ مَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَىٰ عَلِيٍّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ ،
وَ قُولُوا: ﴿سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ ،

﴿هر آن کس که هدایت پذیرد، به خیر خویش پذیرفته و آن که گمراه شد، به زیان خود رفته﴾. (زمر / ۴۱) و آن کس که بیعت کند، حتماً با خداوند پیمان بسته که ﴿دست خدا بالای دست آن هاست﴾. (فتح / ۱۰)

هان مردمان! آنک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان ببندید و با **علی** امیر مؤمنان و **حسن** و **حسین** و با امامان از نسل آنان که پس از ایشان خواهند بود. امامانی که فرمانی پایدار در دنیا و آخرت اند. خداوند مگاران را تباه می کند و به باو فایان، مهر می ورزد. ﴿هر کس پیمان شکند، البته به زیان خود گام نهاده و آن که بر عهدش پابرجا ماند، به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد﴾. (فتح / ۱۰)

هان مردمان! بگویید هر آن چه به شما گفتم و به **علی** با لقب «امیرالمؤمنین» سلام کنید و اکنون بگویید: ﴿شنیدیم و فرمان می بریم. پروردگارا! آمرزشت خواهیم و به سوی توست بازگشت﴾. (بقره / ۲۸۵)

وَقُولُوا: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ **عَلِيِّ** بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَاكُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ﴿مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ وَ **عَلِيًّا** وَالْأَيُّمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ ﴿فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ

و بگویند: ﴿تمام ستایش و سپاس، خدایی راست که ما را به این راه هدایت فرمود و گرنه راه نمی یافتیم و البته فرستادگان پروردگارمان به درستی آمده اند﴾.

(اعراف / ۴۳)

هان مردمان! برتری های **علی بن ابی طالب** نزد خداوند عزّوجلّ - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یک باره بر شمارم؛ پس هر کس از مقامات او خبر داد و آن ها را شناخت، او را باور کنید.

هان مردمان! ﴿فرمان بردار از خدا و فرستاده ی او﴾ (احزاب / ۷۱) و از **علی** و امامان که نام بردم، ﴿به رستگاری بزرگی دست یافته است﴾ (احزاب / ۷۱).

هان مردمان! سبقت جوینان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام کنندگان بر او

بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ
وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ﴿فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئاً﴾ .

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَدَّيْتُ وَأَمَرْتُ وَأَغْضَبْتُ عَلَى الْجَاهِدِينَ
الْكَافِرِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

با لقب «امیرالمؤمنین»، رستگاران اند و در بهشت‌های پر بهره خواهند بود.

هان مردمان! آن چه خدا را خشنود می‌کند بگویید و اگر شما و تمامی زمینیان
کفران ورزند، ﴿خدا را زیانی نخواهد رسید﴾. (آل عمران / ۱۴۴)

خداوندا! پیامرزایمان آورندگان به آن چه را ادا کرده و فرمان دادم و بر
انکارکنندگان کافر، خشم‌گیر! والحمد لله رب العالمین.



پری پری پری پری پری پری پری پری

پری پری پری پری پری پری پری پری

پری پری پری پری پری پری پری پری

پری پری پری پری پری پری پری پری

پری پری پری پری پری پری پری پری

پری پری پری پری پری پری پری پری

پری پری پری پری پری پری پری پری



پری پری پری پری پری پری پری پری
پری پری پری پری پری پری پری پری
پری پری پری پری پری پری پری پری
پری پری پری پری پری پری پری پری
پری پری پری پری پری پری پری پری
پری پری پری پری پری پری پری پری
پری پری پری پری پری پری پری پری
پری پری پری پری پری پری پری پری
پری پری پری پری پری پری پری پری

